

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

پیش مقتدایی سختگوی شورای عالی قضایی اعتراف کرد که طی دو هفته، تعدادی از اعضای سازمانهای سیاسی ایران، در تهران و چند شهر دیگر اعدام شده و عده ای نیز به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. اخیرا سازمان مجاهدین نیز خبر داده است که در اواسط اردیبهشت ماه، رژیم ۷ تن از مجاهدین بازداشت شده را نیز به قتل رسانده است. قبلا نیز رژیم رسا اعدام ۱۶۵ زندانی سیاسی در سال ۶۵ را بقیه در صفحه ۲

برابر اخباری که علیرغم اختناق سیاه از آنسوی دیوار شکنجه گاههای خمینی رسیده است، در آستانه نوروز، ۲۸ تن از زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شدند. اخبار رسیده حاکی از آن است که عده ای از اعدام شدگان از مسئولین و اعضای سازمان ما بوده اند که چندان از آنان از مدت های پیش در اسارتگاه رژیم زیر شکنجه قرار داشتند.

در تایید این خبر از سوی مقامات رژیم، چندی



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۶ برابر ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷

بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۳

رفسنجانی: حساس ترین مقاطع جنگ در دوسه ماه آینده خواهد بود

جنگ - نگاهی در چشم انداز

به یک مانور دریایی در تنگه هرمز زد. اما آشکار بود که ذهن رهبران رژیم عمدتا متوجه مذاکرات شورای امنیت و برخی تماسهای دیپلماتیک، خاصه در منطقه، شده است.

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تهران (تیر) اعلام کرد، "حساس ترین مقاطع جنگ در دو سه ماه آینده خواهد بود." فقها همواره چنین تعبیراتی را در رابطه با جنگ به کار می برند، مقلع سرنوشت ساز، عملیات تعیین کننده، مقدمه ای برای حمله نهایی، مقطع حساس... اما این بار، صفت "حساس" برای مقطع کنونی، صرفا بر حسب عادت به کار نرفته است. مقطع به راستی حساس است. حساس بودن مقطع کنونی را، در درجه نخست دوره فعلی جنگ - دوره پس از کربلاهای ۴ و ۵ - تعیین می کند. چرا به کربلاهای ۴ و ۵ چنین اهمیتی باید داده شود؟ ویژگی این حملات درجه بود و ناکام ماندن آنها، نشان دهنده چیست؟

بقیه در صفحه ۶

مطبوعات بین المللی در هفته گذشته، به خبرهایی که مستقیم و یا غیرمستقیم به جنگ ایران و عراق مربوط می شدند، تیتراهای درشتی را اختصاص دادند. مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل متحد بر سر جنگ، تشنج در خلیج، تحریکات جمهوری اسلامی و تلاش آمریکا برای حضور بیشتر در منطقه از طریق تقویت ناوگان نظامی خود در دریای عمان و خلیج فارس، برخی تماسهای دیپلماتیک، از جمله ملاقات ملک حسین و حافظ اسد در دمشق، و بالاخره تشدید درگیریهای زمینی در جبهه شمالی جنگ ایران و عراق (ناحیه مشرف بر کوهستانهای اربیل)، محورهای اصلی خبرهای هفته گذشته بودند.

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در درجه نخست به درگیریهای جبهه شمالی پرداختند و با آب و تاب فراوان کوشیدند عملیات فتح ۶ و نصر ۲ را پراهمیت جلوه دهند. چارو چنگال برای تعمیق بحران خلیج نیز ادامه داشت. رژیم نیروی تازه ای را به نام "مدافعین خلیج فارس" سازمان داد و دست

اجلاس وزرای نفت اوپک

اجلاس وزرای نفت ۱۲ کشور عضو سازمان اوپک که روز ۲۵ ژوئن در وین پایتخت اطریش گشایش یافته بود در روز شنبه ۲۷ ژوئن به پایان رسید. مسئله تعیین قیمت جدید برای انواع نفت تولیدی کشورهای عضو و با تثبیت بهای مصوبه در اجلاس دسامبر ۸۶-۱۸ دلار برای هر بشکه - و همچنین تعیین سهمیه تولیدی اعضا، مهمترین مسائل اجلاس اخیر اوپک را تشکیل می دهند. مسائلی از قبیل گزینش دبیر کل اوپک و اعمال صرفه جویی در دستگاه اداری این سازمان نیز از دیگر موضوعاتی بشمار می روند که در دستور کار این اجلاس قرار دارند. طبق تصمیمات اتخاذ شده در اجلاس دسامبر ۸۶ اوپک، سقف تولید نفت کشورهای عضو به منظور افزایش و تثبیت بهای نفت بازاری هر بشکه ۱۸ دلار در حد ۱۵/۸ میلیون بشکه در روز محدود شده بود. طبق تصمیم همان اجلاس سقف تولید کشورهای عضو در نیمه دوم سال ۸۷ تا حد ۱۸/۲ میلیون بشکه در روز افزایش می یافت. افزایش سقف تولید نفت کشورهای عضو تا حد پیش از ۱۸ میلیون بشکه در روز از جانب برخی از کشورهای

بقیه در صفحه ۵

در این شماره

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!
در صفحه ۲

خطابه از نگوی سرخ

سروده ای ازمانی

در صفحه ۲

سرمایه داران ترک، صیادان طلا

در صفحه آخر

سیستان و بلوچستان

زندگی در فراسوی فقر

در صفحه ۹

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در یونان
در صفحه آخر

نوسازی و آگاهی اجتماعی

در صفحه ۱



دیکتاتوری سئول در تنگنا

ژوئن و عدم توافق آنها، بار دیگر خیابانهای سئول و سایر شهرهای بزرگ، صحنه تظاهرات عظیم ضد دیکتاتوری و درگیری مردم پانیروهای سرکوبگر شد. خبرنگاران خارجی تظاهرات جمعه شب گذشته را از بزرگترین تظاهرات سه هفته اخیر علیه رژیم آمریکایی چون دوهوان دانسته اند. بقیه در صفحه ۱۲

تحولات کره جنوبی، در هفته گذشته ابعاد تازه ای یافت. در حالیکه در اوایل هفته، بدشمال اعلام آمادگی چون دوهوان دیکتاتور سئول برای مذاکره با کیم یونگ سام رهبر حزب عمده اپوزیسیون پروژوایی، حالت صبر و انتظار این کشور را فرا گرفت، پس از ملاقات این دو در روز چهارشنبه ۲۴

به یاد رفیق حمید اشرف و همزمان

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

یازده سال از روزی که روزنامه‌های رژیم شاه با بزرگترین حروف چاپی خود خبر پیروزی ساواک در وارد آوردن ضربه‌ای بر پیکر جنبش انقلابی میهنان را درج کردند، گذشت. یازده سال پیش بود که روزنامه‌ها این خبر هولناک را منتشر کردند که "حمید اشرف کشته شد" و "در یک درگیری در مهرآباد جنوبی، ستاد مرکزی کمونیستهای ایران متلاشی شد".

آری یازده سال از یکی از سیاهترین و هولناک‌ترین روزها در زندگی فدائیان خلق گذشت. در سحرگاه روز ۸ تیر ماه ۱۳۵۵، محل تشکیل اجلاس فوق‌العاده رهبری سازمان در خانه‌ای در محله مهرآباد جنوبی تهران مورد یورش مزدوران شاه جلاد واقع شد و رفیق قهرمان حمید اشرف و تمامی دیگر اعضای رهبری، طی نبرد قهرمانانه و پرشکوه به شهادت رسیدند. بدین سان رفیق "حمید اشرف" یوسف قانع خشکه‌په‌پهاری، محمد رضا شیرخانی، محمد حسین حق‌نواز، علی اکبر رزبیری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور و مسگر حسینی ابرده، ایمان بی‌کران به رژیم جاننازانه در راه آرمان کمونیستی خویش و بی‌مان استوار خود با خلق را با خون به اثبات رساندند.

در آن روزهای سیاه مزدوران شاه سزای نامی شناختند، مصاحبه‌های تلویزیونی "مقام امنیتی"، درج و وسیع

گزارشها و عکسها و مطالب تنظیم شده توسط ساواک در روزنامه‌ها، طنین عربده‌های مستانه و پاپیکوبی‌های شفافه بازجوها در شکنجه‌گاه کمیته مشترک و اوین در روزهای پس از هشت تیر، سخنرانی‌های پر شمار مسئولین زندان‌ها در قصر، اوین و کمیته که، "دیگر تمام شد، دشیا به کام شد". در بی تمامی آن وقایع شوم قلب‌های بسیاری فشرده شد و به درد آمد، اما با جرات می‌توان گفت هیچ زانویی سستی نگرفت، هیچ رهرویی از راه باز نایستاد، کام‌ها استوارتر و رهروان افزون‌تر شدند. فدائیان قامت افراشتند، برنا و پرناتر شدند و آنکه می‌گفت "دیگر تمام شد"، خود به نیروی توفنده خلق از صحنه تاریخ محو گردید.

در روز هشتم تیر که روز شهیدان فدایی نام نهاده شده، سازمان ما ضربه‌ای کاری و پس عظیم رامتحمیل شد. ابعاد واقعی و عواقب یورش هشتم تیر که در ادامه ضربات پی در پی ساواک در نیمه دوم سال ۵۴ و طول سال ۵۵ به سازمان به وقوع پیوست، چند سال بعد آشکار تر گردید. این ضربه بر کاهش امکانات سازمان در تأثیرگذاری بر سیزوید ادها در انقلاب بهمین و پس از آن تأثیرات معینی بخشید. اما گذشت چند سال از هشتم تیر ۵۵ پدیده دیگری را نیز عیان ساخت. قهرمانی‌ها، جاقبازی‌ها و پایبنداری‌هایی که از آغاز جاری شدن شطخروشان جنبش فدائیان در وقایعی همچون هشتم تیر با ژتاب یافت، خطرخی از هزاران حماسه که

از شهادت حسن شیک داوودی اولین شهید فدایی آغاز و در طول حیات سازمان روبرو فراز نهاده، خود هویت بخش یک واژه گشت، فدایی. فدایی خلق در ابعاد توده‌ای طفیفی غرور انگیز و شکوهمند یافت.

فدائی خلق اینک در رژیم ارتجاعی و چنایتنکار جمهوری اسلامی نیز با تمام توان می‌کوشد که بر سنن قهرمانی پیشگامانمان، بر سنت رفیق حمید اشرف تکیه ژفد. ما رژیم‌های رنج و کار و فرغت از دشمن را از آنان می‌آموزیم و به سلاحی بر اعلیه رژیم خمینی و همه مرتجعین تاریخ بدل می‌سازیم. واقعیت تانناک رژیم سترگ فدائیان خلق در تمامی پهنه مین و مقاومت‌های قهرمانانه فدائیان اسیر در میادین تیرباران و شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی مین آشتت که هم اینک نیز فصول تازه و تانناکی از حماسه‌های پرشکوه رژیم فدائیان شکاشته میشود.

در یازدهمین سالگرد ۸ تیر، روز شهیدای فدایی، در شرایطی که فدائیان خلق همچنان قهرمانانه در سخت‌ترین شرایط پیلیمی و در زیر سرنیزه و کلوله دشمن می‌رزمند، یاد شهیدای ۸ تیر، یاد رفیق حمید اشرف را گرامی می‌داریم و "به آن ایمان و عشقی که سرمنشأ قهرمانی‌های فدائیان و همه مبارزین خلق است ارج می‌نهمم و در برابر آن عزم و اراده‌ای که پس از ضربات ۸ تیر، سازمان ما را پا برجا نگاه داشت سرتعظیم فرود می‌آریم." ●

خطابه از سگروی سرخ

جان به دستی و

به دستی عشق .

بله

بله

به ایوان بلند

بر می شود

تا چهره به جوباره، نسیم واگذار

نیمروزان بردرگاه تکیه دارد

و زمین

در هایهوی روشن خورشید

بر می خیزد .

آشوب

در واپسین کلام ایستاده است .

- به ورق گردانی .

چشمه ، چشمه ، سخن

و دریا ، دریا

- دریافتن .

خطابه‌ی سرخ بر مهتابی خوانده

می شود .

" نامت کلاف نور است

که باز خواهد شد

رشته به رشته

و جهان را خواهد گرفت

ای عشق

ای معنای عمیق شهادت ! "

بس ، بر می خیزند

خیزا به‌های قیام

از دریای دریافتن ها .

و ظنیر

از اندام شهید

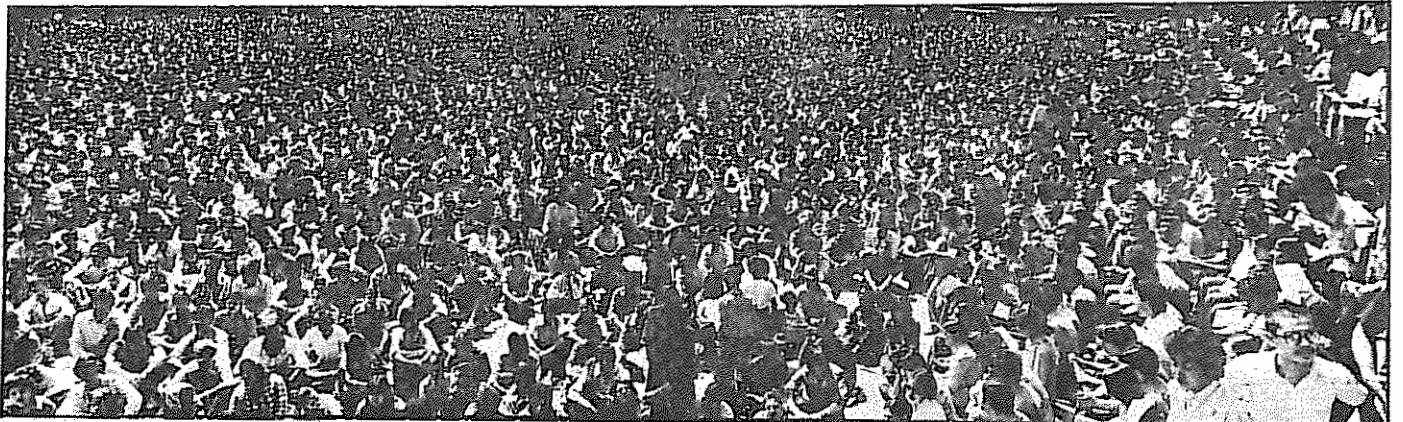
به سرخی

می گذرد .

مائی - شهریور ۵۸

خطابه اول از مجموعه تازه منتشر شده

"خطابه از سگروی سرخ"



سال ۱۳۵۸، دانشگاه تهران، در نخستین سالروز ۸ تیر پس از سرکوشی شاه، انبوهی از مردم تهران گرد آمدند تا خاطره شهیدان فدائی را گرامی دارند.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی همه آنان دست به اقدامات عملی مشترک و قاطع بزنند و اجازه ندهند که خمینی شیروهای مبارز را در برابر چوخته اعدام قرار دهد.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از همه مردم شریف و آزاده بویژه از خانواده‌های زندانیان سیاسی که در صف مقدم دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی آنها قرار دارند، می‌خواهد که صفوف خود را زیر شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فشرده‌تر سازند.

هر چه مبارزه مردم و شیروهای انقلابی و ترقیخواه یکپارچه‌تر و فریاد اعتراض‌شان علیه ترور و اختناق بلندتر باشد، عمر رژیم تبهکار خمینی کوتاه‌تر خواهد شد.

پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه آزادی همه زندانیان سیاسی
پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران
کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
خرداد ۱۳۶۶

توسط رژیم ددمنش خمینی جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی باید بخاطر نقض خشن ابتدایی‌ترین حقوق زندانیان سیاسی محکوم گردد و برای قطع پیگرد و بازداشت مخالفان عقیدتی رژیم، قطع هر گونه شکنجه و اعدام، اشغال دادگاههای شرع، تامین حق تحقیق و کنترل وضعیت دادرسی و امور زندانیان توسط مراجع بین‌المللی و آزادی همه زندانیان سیاسی تحت شدیدترین فشارها قرار گیرد.

سازمان ما از تمامی اقداماتی که توسط احزاب، شخصیت‌ها، محافل و مراجع بین‌المللی در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران و برای آزادی بی‌قید و شرط آنها صورت می‌گیرد، استقبال می‌کند و خواهان تشدید این کارزار بشردوستانه است.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از همه شیروهای آزادیخواه، مترقی و انقلابی ایران می‌خواهد که در مبارزه علیه رژیم آزادی کش خمینی برای نجات جان

تاریکی سیاست رژیم در برابر سازمان ما است.

شرایط فشار بر زندانیان سیاسی و اعدامهای دسته جمعی آنان، بویژه پس از اعتصابات قهرمانانه اوین، کوه دشت و قزل حصار شدت یافته است. این اعتصابات در اعتراض به پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی صورت گرفت، اما پاسخ جمهوری اسلامی به حق طلبی مبارزین شکنجه و اعدام بود. اکنون خطر مرگ جان صدها زندانی سیاسی را تهدید می‌کند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اعدام رذیلانه زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم می‌کند و از همه شیروهای انقلابی، ترقیخواه و آزاده ایران، از همه محافل مترقی و دموکراتیک جهان می‌خواهد که علیه این جنایات و فجایع ضد بشری بانگ اعتراض خود را راسر سازند و با استفاده از همه امکانات به منظور تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی از ادامه کشتار انقلابیون و میهن پرستان

بقیه از صفحه اول
اعلام کرده بود، این در حالی است که رژیم جهل و جنایت هیچگاه اطلاع دقیقی از تعداد واقعی کشته شدگان را منتشر نکرده و نمی‌کند.

رژیم خمینی از بیم اعتراضات فزاینده مردم ایران و نیروها و محافل ترقیخواه جهان می‌کوشد سیاست پیکرزدن و بازداشت وسیع انقلابیون را در خفا پیش برد و شکنجه و اعدام مبارزین در بند را کتمان نماید. پس از یورش تابستان ۶۵ رژیم علیه سازمان ما که به بازداشت بیش از ۱۰۰۰ تن از اعضا و هواداران سازمان منجر شد، در نیمه دوم سال ۶۵ و آغاز سال ۶۶ نیز چند یورش مخفیانه دیگر علیه شیروهای سازمان ما در باختران، کیلان و مازندران صورت گرفته است و در هر کدام دهها نفر از اعضا و هواداران سازمان ربوده شده و تحت شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چندنفر از رفقای ما زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم به شهادت رسیدند. سرکوب

اعتصاب غذای...

بقیه از صفحه آخر
۱ - رسیدگی سریع برای فرستادن ایرانیان به کشورهای مختلف جهان،
۲ - ایجاد امکانات رفاهی و تامین هزینه برای تهیه وسایل و نیازهای بهداشتی پناهندگان.
۲ - قرار گرفتن در پوشش سازمان ملل متحد و دریافت کارت پناهندگی.
بعد از یک هفته تحصن، از آنجا که مسئولین امور پناهندگی به درخواست‌های قانونی و انسانی پناهندگان توجهی نشان ندادند، آنان از تاریخ دهم ماه ژوئن اعتصاب غذا را آغاز کردند.

چریان این تحصن و اعتصاب غذا، در چندین روزنامه یونانی همراه با عکس و گزارش انعکاس یافته است. کمیته همبستگی بین‌المللی یونان نیز ضمن اعلام همبستگی کمیته با اعتصاب کنندگان، اعلام نمود که مسائل و مشکلات پناهندگان ایرانی را طی ملاقاتی با مسئولین امور پناهندگی سازمان ملل در میان خواهد گذاشت.

گسترش اقدامات اعتراضی پناهندگان ایرانی

در ایالت بایرن آلمان فدرال

و با تحمیل چیره غذایی به آنان عمل بی‌اعتنایی خود را به ابتدایی‌ترین حقوق و ارزشهای انسانی به نمایش گذارده است.

خواسته‌های امضاکنندگان این اطلاعیه به شرح زیر خلاصه شده است،
"۱ - کوتاه شدن مدت بلاتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی و ارسال سریع جوابها.
۲ - انسانی کردن شرایط زیستی متقاضیان پناهندگی سیاسی."

این اطلاعیه که خطاب به تمامی پسر دوستان و نیروهای دموکرات و آزادیخواه نوشته شده است، از طرف پناهندگان مقیم اردوی UFFBR و شوی فلور در کوپورگ، پناهندگان اردوی شافهوف و پلانتن اشتراسه در نورنبرگ، انجمن پناهندگان سیاسی مقیم شهر رگنسبورگ و اطراف، و پناهندگان اردوی موگندورف امضا شد.

و موگندورف با صدور اطلاعیه مشترکی اعلام نمودند که برای برآورده شدن حقوق انسانی و قانونی خود، اعتراضات خود را گسترش خواهند داد. در این اطلاعیه آمده است: "علیرغم واقعیات تکان دهنده‌ای که در ایران می‌گذرد، دولت آلمان فدرال بی‌اعتنا به سیاست‌های ضد بشری و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی به نحوی دم افزون فشار بر پناهندگان بویژه پناهندگان ایرانی را افزایش داده است... دولت آلمان فدرال با طولانی کردن دوران بلاتکلیفی تا احضار به اداره فدرال و در برخی موارد با تاخیر بسیار در دادن پاسخ مصاحبه‌ها، سلامت روانی پناهندگان را به طور جدی به خطر انداخته است. دولت آلمان با محکوم ساختن متقاضیان پناهندگی در استان بایر به زندگی در اردوهای قدیمی، غیر بهداشتی و کثیف

دولت دست راستی ایالت بایرن در آلمان فدرال، با ایجاد شرایط دشوار زیستی و روانی برای پناهندگان و با طولانی کردن دوره بلاتکلیفی آنان، طی چندین ماه اخیر بطور روزافزونی به نقض خشن و غیر انسانی حقوق پناهندگی اقدام نموده است. همانطور که در شماره پیشین نشریه "اکثریت" گزارش نمودیم، طی ماههای اخیر در بسیاری از نقاط ایالت بایرن پناهندگان ایرانی بمنظور اعتراض به این تضییقات گسترش یافته به اقدامات متعدد اعتراضی دست زده اند، در پی اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی مقیم خوابگاه موگندورف، که خبر آنرا در شماره پیش "اکثریت" انعکاس دادیم، پناهندگان ساکن چندین خوابگاه در نقاط مختلف این ایالت، از جمله ورگوبورگ، نورنبرگ، رگنسبورگ

گسترده‌تر باد مبارزات مردم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی!

خبرهای جنگ

سفرماندهی ارتش عراق روز جمعه با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن رد ادعاهای ایران، اعلام نمود که هواپیماهای این کشور طی روز چهارشنبه و پنج‌شنبه ۲۲ پرواز جنگی در مناطق سلیمانیه، پنج‌ویں، اربیل و جبهه شمالی انجام داده و همه هدف‌های نظامی خود را بمباران کرده‌اند. عراق سقوطیکی از هواپیماهای خود را مورد تایید قرار داد.

در این هفته درگیری به آبهای خلیج نیز کشیده شد. اول هفته، خارک توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد. در پی آن یک کشتی لیبیریایی مورد هجوم قرار گرفت. روز چهارشنبه بنا به گزارش منابع بحرینی یک نفتکش ترکیه در آبهای خلیج مورد حمله مهاجمین ناشناس واقع شد و به شدت آسیب دید. به دنبال آن عراق اعلام کرد که حمله پاسداران جمهوری اسلامی راه‌حوزه نفتی الامیه خنثی کرده است. روز جمعه به گزارش مطبوعات غرب دو کشتی دیگر در سواحل عربستان مورد حمله قایق‌های توپدار پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در این روز پاسداران در تدارک مانور وسیع دریایی در خلیج فارس و دریای عمان بودند.

انتخابات سومین دوره مجلس، امسال برگزار می‌شود

دارند که انتخابات یک صندوق را متوقف یا ابطال کنند.

لازم به یادآوری است که تحولات اخیر در وزارت کشور که به چانه‌چایی مهره‌های جناح‌های حکومتی منجر شده مناقشات میان آنها را تشدید کرده است. به گفته محتشمی بیش از ۹۸ نفر توسط تغییر سمت یافته‌اند.

هفته گذشته بنا به دستور وی فرماندار نیشابور و اساتید ارخاسان نیز از سمت خود برکنار شدند. نماینده نیشابور در اعتراض به اقدام وزیر کشور گفت: "فرماندار نیشابور اولاً چه ایرادی داشت که او را برداشتند و ثانیاً قبل از انتصاب فرماندار جدید بنا به فرمایش خودتان این امر با کسی مطرح و هماهنگ کردید؟ بانمایندگان تماس گرفتید؟ با امام جمعه مشورت کردید؟ از جامعه روحانیت کسب نظر کردید؟ شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی راه حساب آوردید؟ جواب منفی است." معاون محتشمی در پاسخ به اعتراضات اعلام نمود که "خط‌سیاسی" هدف اساسی تغییرات در وزارت کشور بوده است.

نلدبیر خمینی از عسکر اولادی

رسیدن رژیم جمهوری اسلامی تقدیر کرد و ابراز امیدواری کرد که در مقابل "زحمتش"، "پاداش نیک" دریافت کند.

عسکر اولادی قبل از جعفری، وزیر بازرگانی کابینه موسوی بود. وی بعد از انتخابات دوره دوم از کابینه کنار گذاشته شد. همان زمان از او بعنوان رئیس دولت جناح مقابل موسوی یاد می‌شد.

با آغاز عملیات "فتح ۶" در هفته آخر خرداد ماه درجبهه شمالی که به ادعای ایران در پاسخ به بمباران سردشت توسط هواپیماهای عراق صورت گرفت، درگیریهای پراکنده به عملیات گسترده تبدیل شدند. جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۰ خرداد اطلاع داد که نیروهای آن در منطقه شمالی دست به هجوم تازه‌ای بانام "نصر ۲" زده‌اند. در پی این حمله، عملیات نصر ۴ نیز در همین منطقه شروع شد. رفسنجانی در نماز جمعه روز ۵ تیر ادعا کرد که طی یک هفته بعد از آغاز عملیات "نصر ۴"، یک شهر و ۲۰ روستای عراقی به اشغال درآمده، ۷۰۰ تن اسیر شده‌اند، ۵ هواپیما سرنگون شده و پیش از تعداد اسرا، کشته شده‌اند. وی از "پیروزیهای نصر ۴" به عنوان دستاوردهایی "سیاسی" که نتایج آن بعداً معلوم خواهد شد، یاد کرد.

روز شنبه ۷ تیر نیز رادبو جمهوری اسلامی در ادامه گزارشهای قبلی ادعا کرد که در این روز با درهم شکستن ضد حمله نیروهای عراقی در منطقه عملیاتی نصر ۴، ۵ هزار تن دیگر از نیروهای آن به هلاکت رسیدند. بدین ترتیب شمار کشته‌های عراق بنا بر ادعای جمهوری اسلامی از مرز ۶ هزار تن گذشت.

محتشمی وزیر کشور طی گفتگویی با روزنامه کیهان اعلام نمود که انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی، در دهه سوم اسفندماه سال جاری برگزار میشود. وی توضیح داد وزارت کشور پس از بررسی دو زمان متفاوت یعنی فروردین سال آینده و اسفند سال جاری به این نتیجه رسید که مشکلات برگزاری انتخابات در سال جاری برای جمهوری اسلامی کمتر از فروردین ماه است.

وی در مورد تعداد نمایندگان دور سوم گفت: "پانزده به اینکده سال مجلس سهری شده بنا بر این در این دوره نیز همان ۲۷۰ نفر به عنوان نماینده انتخاب خواهند شد." محتشمی درباره انتخابات در تهران گفت: "مجلس با پیشنهاد وزارت کشور منی بر اینکه تهران به سه حوزه شهر ری (۷ نماینده)، شمیرانات (۲ نماینده) و تهران (۲۲ نماینده) باشد، مخالفت کرد و قرار شد که هر سه شهرستان با هم به عنوان یک حوزه انتخابی، ۲۰ نماینده داشته باشند."

وزیر کشور در این گفتگو افزود این بار برخلاف دوره قبل نه شورای نگهبان بلکه وزارت کشور و هیات‌های اجرایی منتخب آن، "این قدرت را

ترکیه، رابطه‌اتو و جمهوری اسلامی

موسوی نخست وزیر روز پنجشنبه ۲۸ خرداد در بازگشت از ترکیه نتایج سفر خود به این کشور را با خبرنگاران در میان گذاشت. وی گفت این سفر دو بعد مشخص داشت و بعد "سیاسی-اقتصادی" آن برای جمهوری اسلامی بسیار پرامیت بود. موسوی به خبرنگاران توضیح داد که در ترکیه میان وی و اوزال بحث‌های متفاوتی به ویژه در رابطه با جنگ و خلیج فارس صورت گرفته است و تاکید کرد که جنگ به "نوعی به ترکیه هم مربوط است چرا که ترکیه هم همسایه جمهوری اسلامی و هم همسایه عراق می‌باشد و هم به نوعی با بیامن نظامی غرب (ناتو) پیوند خورده است."

در ادامه، موسوی با اشاره به مذاکراتش با امون مقابل با فعالیت گروههای سیاسی ایرانی مخالف رژیم خمینی در ترکیه گفت: "در زمینه مسایل مرزی، آن‌ها قبول نداشتند که گروهکهای ضد انقلاب در ترکیه فعالیت دارند که برادران ما اسناد و مدارک لازم را در این زمینه ارائه دادند و قرار شد بعد از این مورد بطور مشخص بحث کنیم و دلایل و شواهد خود را نشان دهیم. ما به آنها گفتیم که باید برخورد قاطعی با گروهک‌ها داشته باشند زیرا بودن این گروهک‌ها در ترکیه به صلاح ترکیه نیست و وجودشان منجر به درگیریهایی در آنجا می‌شود و همچنین مدارکی از فعالیت این گروهک‌ها به آنان ارائه دادیم."

نخست وزیر جمهوری اسلامی طی مذاکره خود چندین بار به عضویت ترکیه در ناتو و رابطه آن با کشورهای امپریالیستی اشاره کرد و روابط جمهوری اسلامی را از این لحاظ با دولت آنکارا مهم ارزیابی نمود. موسوی تلویحاً گفت که مقامات ترک در این مذاکرات به نیابت از سوی کشورهای ناتو اظهار نظر می‌کردند. وی اظهار داشت: "اطلاع یافتن از نظرات ترکیه به عنوان یک همسایه بزرگ و عضو ازناتو و به عنوان کشوری که با کشورهای اروپایی دائم در حال تماس است و اطلاعات خوبی از دیدگاههای آنها نسبت به مسایل جهانی دارد برای ما مهم است!" لازم به یادآوری است سفر موسوی به ترکیه با ورود وزیر امور خارجه ژاپن به تهران همزمان بود. تاداشیکورا ناری وزیر امور خارجه ژاپن از شرکت کنندگان اجلاس کشورهای امپریالیستی غرب در ونیز بود.

تصحیح و بوزش

در خبر مربوط به درآمد نفتی ایران طی سه ماهه نخست سال میلادی که در شماره گذشته در همین صفحه خوانده‌اید - در کزینش تیترا اشتباهی صورت گرفت و بهای فروش هر بشکه نفت ایران ۹ دلار گفته شد. درحالیکه (همچنانکه متن خبر گویاست) نه بهای فروش، که درآمد حاصله از هر بشکه نفت برای جمهوری اسلامی ۹ دلار بوده است.

در شماره ۱۶۱ صفحه ۶ ستون ۴ در سطر هفتم پاراگراف آخر، "غربی" غلط و "حزبی" درست است. ●

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

از میان دیگر رویدادها

● به نوشته روزنامه کیهان ۲۴ خرداد، در جلسه روز یکشنبه مجلس اسلامی انتخابات هیات رئیسه جدید مجلس با توزیع ۲۲۰ کارت بین نمایندگان حاضر در جلسه انجام گرفت. هاشمی رفسنجانی با ۱۸۲ رای موافق، ۱۲ رای مخالف و ۳۵ رای ممتنع به عنوان رئیس مجلس ابقا شد.

● همزمان با تعویض شناسنامه‌ها کلیه افرادی که سن آنان از ۱۵ سال به پایین است می‌باید انگشت‌نگاری شوند. روزنامه کیهان ۲۵ خرداد در ادامه این خبر توضیح می‌دهد: در حال حاضر ۲۸ میلیون و ۲۶۶ هزار نفر بالای ۱۵ سال داریم و سالانه حدود ۲ میلیون نفر از مرز پانزده سال تمام رد می‌شوند. در سال آینده که تصمیم داریم به متولدین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ شناسنامه جمهوری اسلامی بدهیم می‌باید متولدین پانزده خرداد ۴۲ لغایت سال ۱۳۵۲ انگشت‌نگاری شوند. به عبارت دیگر شهروانی جمهوری اسلامی سال آینده ۹ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۴۷۸ نفر را انگشت‌نگاری خواهد کرد.

اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی (ساواک) در جهت متمرکز ساختن اطلاعات خود تحت عناوین مختلف مدارک هویت مردم را جمع آوری می‌کند. نسخه‌ای از نمونه انگشت‌نگاریها در اختیار این سازمان قرار خواهد گرفت.

● مطبوعات ۲۳ خرداد بر اساس پژوهشی که اخیراً توسط سازمان ملل در مورد آلودگی هوادر ۵۰ شهر آلوده جهان صورت گرفت و در ژنو منتشر شد، شهر تهران از نظر آلودگی با گاز "دی اکسید سولفور" سومین و از نظر گرد و غبار هفتمین شهر آلوده جهان به‌شمار می‌آید.

اجلاس وزرای نفت اوپک

بقیه از صفحه اول

عضو مورد مخالفت قرار گرفته است. آخرین اخبار منتشر شده از سوی سرکرانیهایی بین‌المللی بر آن دلالت دارند که کشورهای عضو اوپک توافق کرده‌اند سقف تولیدی نفت اوپک را تا ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز افزایش بدهند. ناظران عقیده دارند که موضوع تعیین سقف تولیدی کشورهای عضو برای سه ماهه آخر سال میلادی از موارد بحث انگیز اجلاس حاضر می‌باشد.

تصمیم به تعیین سقف تولیدی کشورهای عضو اوپک تا حد ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز با هدف تثبیت بهای نفت در حد فعلی اتخاذ شده است. این در حالی است که برخی از اعضای اوپک پیشنهاد افزایش بهای نفت را مطرح کرده‌اند. لقمان وزیر نفت نیجریه و رئیس فعلی اوپک در جریان کشایش اجلاس اعلام کرد که در حالیکه بهای نفت پرداختی از سوی اغلب کشورهای صنعتی در سال ۱۹۸۶ به یک سوم بهای آن در سال ۱۹۸۵ تقلیل یافته است، اما مصرف کنندگان نهایی تنها از بخشی از این کاهش بهای سود برده‌اند. لقمان با طرح این موضوع "کشورهای پیشرفته" را متهم کرد که عملاً بر سر افزایش تقاضا برای نفت موانع جدی ایجاد می‌کنند. باید خاطرنشان ساخت که انتشار گزارشی از اجلاس اوپک باعث افزایش بهای نفت به میزان ۶۱ سنت در هر بشکه در بازار نفت نیویورک گردید.

اجلاس مجلس خبرگان

و در آن منظری از طرف شرکت کنندگان به عنوان "ولی فقیه" و "جانشین خمینی" انتخاب شد.

جلسه خبرگان در شرایطی برگزار می‌شود که میان فقها اختلاف بر سر جانشینی خمینی و نقش آتی منظری از همیشه بیشتر شده است.

روز پنجشنبه ۲۸ خرداد خبرگزاری جمهوری اسلامی اطلاع داد که اجلاس مجلس "خبرگان" روز شنبه ۸ تیر ماه در محل مجلس اسلامی برگزار می‌شود. در اطلاعیه منتشره، به علت برگزاری این جلسه و دستور بحث آن اشاره‌ای نشد. آخرین جلسه خبرگان هفته آخر آبانماه سال ۶۴ برگزار گردید.

خرید اورانیوم از آرژانتین

نظامی "جینز دیفنس" چاپ لندن با انتشار مقاله‌ای ضمن اشاره به تلاشهای سران جمهوری اسلامی برای تبدیل واحدهای صنعتی بازمانده کشور به زرادخانه نظامی، نوشت موافقت آرژانتین با فروش تکنولوژی هسته‌ای و اورانیوم غنی شده به جمهوری اسلامی رنگ خطر ساختن تولید سلاح هسته‌ای توسط رژیم تهران را به‌صراحت آورده است.

امراللهی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی روز ۲۸ خرداد در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن تایید خبر مربوط به خرید سوخت هسته‌ای و اورانیوم غلیظ شده از آرژانتین آن را یک کار عادی قلمداد کرد و گفت: "ما کار غیرعادی انجام نداده ایم."

به گزارش کیهان هوایی (۳ تیر)، کمیل معاون وزارت خارجه آرژانتین که به همراه یک هیات اقتصادی جهت مذاکره در زمینه همکاریهای اقتصادی و بازرگانی به ایران سفر کرده بود با محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌المللی و اقتصادی وزارت امور خارجه ملاقات و مذاکره کرد. در پایان مذاکرات کمیل ولاریجانی، قرار گذاشته شد جهت توافق نهایی و اجرای مصوبات آنها، یک هیات عالیرتبه سیاسی و اقتصادی دیگر از آرژانتین به ایران بیاید.

همزمان با حضور معاون وزارت امور خارجه آرژانتین در تهران که به دنبال سفر هیات جمهوری اسلامی به بوئنوس آیرس و تصویب قرارداد فروش اورانیوم تغلیظ شده "صورت گرفت، هفته نامه امور

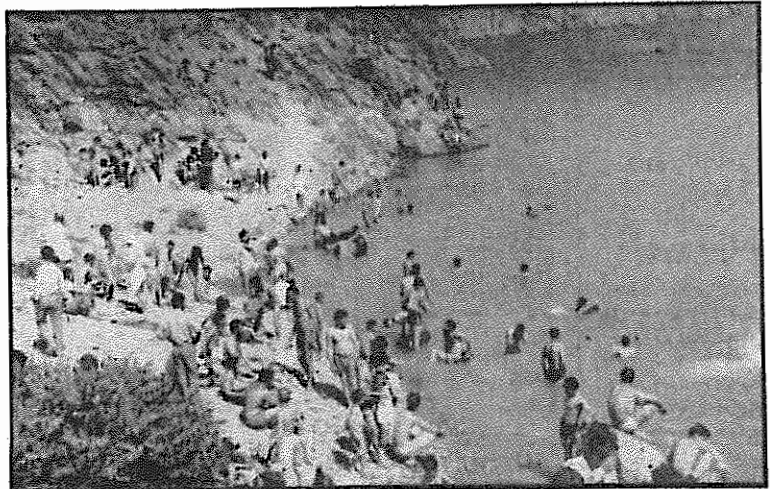
کاهش تردد کشتی‌های تجاری به بنادر ایران

سال ۱۳۶۱ به ۱۳۲۶ فروند، در سال ۱۳۶۲ به ۱۶۵۲ فروند، در سال ۱۳۶۳ به ۱۲۹۱ فروند و سال ۱۳۶۴ به ۱۳۴۵ فروند کاهش یافته است. مقایسه رقم کشتی‌های وارد شده در سال ۱۳۵۵ با رقم سال ۱۳۶۴ حاکی کاهش بیش از ۵۰ درصد است. آمار موجود نشان می‌دهد که بیشترین میزان کاهش رقم کشتی‌های وارد شده به بنادر ایران طی دهه ۶۵-۵۵ مربوط به خلیج فارس است.

طبق گزارش این نشریه در سال ۱۳۵۵ در مجموع ۲۳۵۲ فروند کشتی بازرگانی وارد بنادر ایران در کرانه خلیج فارس شده است که این رقم در سال ۱۳۶۴ به ۹۶۶ فروند کاهش یافته است. در مقابل کاهش شمار تردد کشتی‌ها در خلیج فارس، رقم آن در بنادر دریای مازندران از ۳۷۲ فروند در سال ۱۳۵۵ به ۴۷۹ فروند در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در آخرین شماره نشریه خود با ارزیابی شمار کشتی‌های عازم بنادر ایران نوشت تشنج خلیج فارس در سالهای اخیر و بروز جنگ ایران و عراق و تنزل شدید واردات جمهوری اسلامی موجب گردیده است که طی دهه ۱۳۶۴ - ۱۳۵۵ از شمار کشتی‌های بازرگانی عازم بنادر ایران در خلیج فارس و دریای مازندران به تدریج کاسته شود.

بنا به آمار مندرج در این نشریه، در حالی که در سال ۱۳۵۵ در مجموع ۲۷۲۵ فروند کشتی بازرگانی در بنادر شمالی و جنوبی کشور پهلو گرفته‌اند این تعداد در سال ۱۳۵۶ به ۲۳۱۰ فروند، در سال ۱۳۵۷ به ۲۸۷۹ فروند، در سال ۱۳۵۸ به ۱۴۹۵ فروند، در سال ۱۳۵۹ به ۱۳۹۵ فروند، در سال ۱۳۶۰ به ۱۱۹۴ فروند، در



در گریز از گرما، شلادر آبهای دریاچه سد کرج

رفسنجانی: حساس ترین مقاطع جنگ در دوسه ماه آینده خواهد بود

جنگ - نگاهی در چشم انداز

بقیه از صفحه اول

از عملیات کربلا تا کنون

کربلاهای ۴ و ۵ دی ماه سال گذشته بر اساس استراتژی تازه ای، جبهه ناحیه شلمچه را غرق در خون کرد. هدف این حملات و حملات مکمل آنها گرفتن بصره و دست کم به محاصره در آوردن کامل آن بود. این حملات، شمره ماهها بسیج نیرو بود. استراتژی "یکی دوضربه عمیق نظامی" و نیز "تاکتیکیهای نفوذی و عملیات محدود" راه به جایی نبرده بود و رژیم با این گمان نقشه کربلاها را ریخته بود که بتواند با بیشترین بسیج نیرو، با بهره گیری از تمام ظرفیت ماشین جنگی، اساسی ترین ضربه ممکن را بر ارتش عراق وارد سازد و پایک پیروزی چشمگیر، جنگ را از حالت بن بست درآورد. رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ دی ماه تهران و با اشاره به حملات خونباری که رو به بصره داشتند، تاکید کرد: "در اینجا سرنوشت نهایی جنگ تعیین می شود." اما سرنوشت جنگ، چیزی جز تعمیق حالت بن بست نبود و با بیشترین کشتارها در اطراف دریاچه ماهی نیز، راهی بر خروج از بن بست، گشوده نشد.

کشتار تنها به محور شلمچه و نیز جبهه مرکزی و شمالی محدود نماند و طبق معمول دامن مناطق مسکونی را نیز گرفت. جنگ شهرها مجدداً عین سببیت و درنده خوبی هر دو رژیم خمینی و صدام حسین را به نمایش نهاد و مفهوم جنگ تمام عیار خمینی را با کشته های پشته شده در شهر و روستا معنی کرد.

همچنان که گفتیم سلسله عملیات کربلا در دی و بهمن ۶۵، بهره گیری رژیم از کل ظرفیت ماشین جنگی خود بود. جنگ در ناحیه شلمچه، نشان داد که باتوسل به گسترده ترین کشتارها نیز در سرنوشتش تغییری حاصل نمی شود و داعیه فتوحات سرنوشت ساز، سرابی بیش نیست.

کربلاهای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی و بسیج حد اکثر نیرو به صورت راه اندازی لشکرهای "محمد و مهدی" صورت گرفت. رژیم برای بسیج نیرو از هیچ تلاش و بکیر و بهندی فروگذار نکرد و اعلام نمود که حاضر است

همه کارها فرو گذاشته شود تا جبهه ها برگردد.

حمله به جانب بصره در دوره پس از فرمک فارلین به تهران صورت گرفت. تماس مستقیم با آمریکا و کسب یارتهای کلان اسلحه به صورت مستقیم ویا غیر مستقیم از آمریکا، اروپای غربی و اسرائیل، بر حسارت رژیم برای دست زدن به یک حمله "سرنوشت ساز" افزودند. پیش از این حمله، سران رژیم مدام از امکانات مساعد بین المللی سخن می گفتند و مدعی بودند به لحاظ سیاسی نیز شرایط برای هجمه نهایی آماده شده است.

حساس ترین نقطه در جبهه گسترده جنگ با عراق، منطقه جنوبی و مشرف به بصره است. از همین رو هرگونه دگرگونی اساسی در صحنه نظامی جنگ باید در درجه نخست ناظر بر تحولاتی در ناحیه بصره باشد. حملات دی و بهمن سال گذشته رژیم نیز از آن

رواهیت ویژه ای داشتند که در مهمترین و حساس ترین نقطه جبهه صورت گرفته و از یک ظرفیت لجستیکی حداکثر - باتوجه به مجموعه مشخصات منطقه و ویژگی های ماشین جنگی رژیم - برخوردار بودند. با توجه به مجموعه این فاکتورهاست که کربلاهای ۵ و ۶ را باید به مثابه یک شاخص و یک نقطه عطف در نظر گرفت، و از همین رو بی معنی نخواهد بود اگر به دوره اخیر، دوره پس از کربلاها نام بگذاریم. آیا رژیم قادر به دست زدن به حملات دیگری همچون کربلاهای دی ماه سال گذشته خواهد بود؟ حتی پاسخ مثبت به این سؤال در تحلیل دوره کنونی تغییر مهمی به عمل نمی آورد و ایجاب نمی کند در تبیین مشخصات عمده کربلاهای گذشته - برخوردار از از حداکثر توان رزمی پس از ماهها بسیج نیرو، برخوردار از

مساعدترین شرایط لجستیکی، برخوردار از مساعدترین شرایط بین المللی بنا بر محاسبات رژیم - تغییری به عمل آید. اگر در آینده حملات گسترده دیگری - که رژیم همچنان در تدارک آنهاست - صورت گیرد، از مجموعه این امکانات مساعد برخوردار نخواهد بود، در آرایش قوا تغییری صورت نخواهد داد و از زاویه ارزیابی نظامی شاخص تازه ای محسوب نخواهد شد. دوره پس از عملیات "سرنوشت ساز" کربلاها، برای رژیم در بهترین حالت دوره درجا زدن است. پس از توجه به این کیفیت است که می توان فاکتورهای تازه را در تحلیل فاز فعلی جنگ دخالت داد و سرکشتگی رژیم را محسوس تر به تصویر آورد.

اما عملکرد عینی این منطق یک چیز است و نتایج آن در ذهن فقها یک چیز دیگر. پس از کربلاها نیز رژیم به بسیج نیرو ادامه داد و همزمان دست به حملات محدودی همچون فتح ۶ و نصر ۲ و ۴ در جبهه شمالی زد. در این فاصله بعضاً خطر از سرگیری جنگ شهرها نیز بر چسبیده شد. تبلیغات جنگی بر روی بسیج بیشتر نیرو و "جنگ، جنگ، تا پیروزی" ادامه یافت و خمینی در روز جمعه ۸ خرداد در دیدار با سران حکومت به مناسبت عید فطر تاکید کرد که در بسیج جنگی نباید سستی صورت گیرد. او در این دیدار به شکل معنی داری تاکید کرد: "آنها که می گویند باید سازش کرد، آیا می فهمند که اگر سازش کنیم، نه می شویم ۳؟ و همچنین افزود همه "در جبهه در فعالیت باشند. هر روز که به تعویق افتد، این قضیه مشکل تر می شود."

"مشکل تر شدن قضیه"

قضیه، به راستی مشکل تر شده است. دودسته از عوامل که می توان یکی را جاری و دیگری را متغیر نامید قضیه را برای خمینی مشکل تر می سازند. عوامل جاری، عواملی هستند ثابت اما با تاثیرات تصاعدی، عواملی از قبیل بحران اقتصادی و نفرت فزاینده مردم از جنگ. عوامل متغیر، حوادثی هستند که در هر دوره تاریکی دارند و اگر چه از فاکتورهای ثابتی ناشی می شوند، در هر دوره باید بر روی نوع وحدت تاثیر بروز آنها به این شکل و یا به آن شکل، به صورت جداگانه مطالعه کرد. ما تا کنون عمدتاً در عرصه بین المللی و خاصه تحولات منطقه با چنین عواملی مواجه شده ایم.

عوامل جاری اکنون تاثیرات



خفه کننده‌ای یافته‌اند. بحران وتورم ناشی از جنگ، پنجه برکلوی اقتصاد کشور افکنده است. بودجه جنگ بیش از یک سوم کل بودجه کشور است و به همین نسبت نیز درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را می‌بلعد.

در مقاطعی، جنگ، صدور نفت را دچار مشکلات جدی می‌سازد. مقطع کنونی، به لحاظ بالا گرفتن بحران در خلیج نیز برای صدور نفت، تهدید کننده است. عراق در هفته گذشته، پس از وقفه‌ای که به دنبال حمله به کشتی آمریکایی "استارک" پدید آمده بود، پرمیزان حرکات خود در ناحیه خلیج فارس افزود. عراق در روز یکشنبه (۲۰ خرداد) به نفت کشتی تناسیتی در اسکله خارک حمله برد و پس از آن اعلام کرد که حملات خود راه تاسیسات نفتی ایران و نفت کشتی‌هایی که حامل نفت ایران باشند، ادامه خواهد داد. در سال گذشته میلادی خارک حدود ۱۲۰ بار مورد حمله هوایی عراق قرار گرفته بود. حملات متمرکز و همچون سال گذشته رژیم را با مشکلات مهمی مواجه می‌سازد.

بحران در خلیج، تشدید جنگ نفت کش‌ها نیز شده است. در سه ساله گذشته بیش از ۲۰۰ کشتی تجاری در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته‌اند.

توانایی رژیم برای بسیج نظامی، توانایی محدودی است. تا کنون امکان بسیج نظامی به عنوان یک فاکتور ثابت در مجموعه امتیازات نظامی رژیم گنجانده می‌شده است. بسیج نظامی سال گذشته، مجموعه امکانات رژیم در این زمینه را به نمایش نهاد. هر چه می‌گذرد این امکانات محدودتر می‌شود. مردم شمره بسیج نظامی سال گذشته راه چشم دیدند. هزاران خانوار در اواخر سال گذشته عزادار شدند. اخیراً طارق عزیز وزیر خارجه عراق اعلام کرد که در جریان جنگ هفت ساله ۸۰۰ هزار سرباز ایرانی و ۲۰۰ هزار سرباز عراقی کشته شده‌اند. در این ارقام نباید چندان اغراق شده باشد و این تناسب نیز واقعاً بنظر می‌آید نسبت ۴ به ۱ در مجموعه کشته‌ها - در کربلاهای ۴ و ۵ که شمره اوچ بسیج نظامی بودند - کاملاً محسوس بود.

نمودهای نفرت مردم از جنگ هنوز تدافعی است، اما این نفرت، مدام در حال تراکم است. تراکم این نفرت در چشم رژیم پدیده خوفناکی است، ماده محترقه ایست که هر دم بر فشدگی آن افزوده می‌شود.

در کنار این عوامل، باید به امکانات ویژه عراق نیز توجه کافی

داشت. آزمایش‌های عراق برای مقابله با یک "کربلا"ی دیگر کاسته نشده است و حتی می‌توان گفت بر این آمادگی افزوده گشته است. عراق نقاط حساس چپه را با نیرو و تجهیزات بیشتری پوشانده است. همین هفته گذشته بود که عراق اعلام کرد خاصه در عرصه جنگ هوایی و جنگ نفت کشتی آمادگی ویژه‌ای کسب کرده است. روزنامه الثورة ارکان رژیم عراق در شماره ۲۱ ژوئن خود از قول رئیس نیروی هوایی صدام حسین، ژنرال حامد شعبان نوشت که عراق آماداست در جنگ هوایی سلاحهای تازه‌ای را به کارگیرد. امکان از سرگیری جنگ شهرها و تشدید جنگ نفت کش‌ها را خاصه پس از روشن تر شدن نتایج عملکردها عوامل بین‌المللی، کاملاً باید در نظر داشت.

عوامل بین‌المللی

جنگ ایران و عراق در زمره نفت انگیزترین حوادثی است که اذهان جهانیان را به خود مشغول می‌سازد. دیپلماسی، در شکل امپریالیستی و ارتجاعی خود نیز، در هر دوره‌ای از منطقی برخوردار است. این جنگ ارتجاعی، می‌کوشد از چارچوب منطق دیپلماسی ارتجاعی امروزین نیز بگریزد و خود را فراتر از دیپلماسی قرار دهد. این جنگ، کشتی کج است. شوعی کشتی که قاعده آن بی‌قاعدگی است، در آن هیچ چیزی "فول" نیست، می‌توان مشت زده، گاز گرفت و لگد انداخت. کار داور فقط می‌تواند این باشد که بر خاک افتادن یک حریف را اعلام کند. جمهوری اسلامی می‌خواهد "بی‌طرف" باشند و دست کم نقش چنین داور را ایفا کنند. اما امپریالیسم جنگ طلب و آتش بیار معرکه نیز نمی‌خواهد "داور"ی از این دست باشد. او منافع خود را در مجموع خود در نظر می‌گیرد و از همینرو در دیپلماسی آشکار، بهنگام، بر قواعد کنترل کننده کشتی مرگ، تاکید می‌کند.

جنگ ایران و عراق تا کنون، به دلیل ویژگی رژیم جمهوری اسلامی، از عوامل بین‌المللی، تاثیر پذیری مستقیم ضعیفی داشته است. این قاعده اکنون به قوت همیشگی خود عمل نمی‌کند. بعد منطقه‌ای جنگ و فاکتور خریدهای تسلیحاتی و مناسبات تجاری نقش عامل بین‌المللی رادر چشم تهران برجسته تر می‌کند. در ضمن نباید فراموش کرد که رژیم فقها اکنون در فاز پس از سفر مرگ فارین به

سر می‌برد. در این دوره خطا نیست اگر از "آل پلیتیک" آخوندی گفته شود. عنصر رآل (واقع گرایانه) در این سیاست در درجه نخست حفظ مناسبات تسلیحاتی و اقتصادی با امپریالیستها و اقامار آنها و نیز حفظ شرایط میسر بودن تداوم فروش نفت است.

اکنون فضای منطقه و کل فضای بین‌المللی، بیش از گذشته بر رژیم خمینی فشار وارد می‌کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد، تصمیم گیری مهمی در خصوص جنگ ایران و عراق را در دستور کار قرار داد و اکنون طرحی را در دست بررسی دارد که بر مبنای آن به هر دو رژیم صدام حسین و خمینی پیشنهاد آتش پس داده می‌شود و اگر هر طرف نپذیرفت در مورد آن سیاست تحریم فروش اسلحه اعمال می‌گردد. در ژنو نیز بین مقاماتی از وزارت خارجه شوروی و آمریکا در همین مورد، مذاکراتی صورت گرفته است. اتحاد شوروی پیگیرانه می‌کوشد که طرح صلح به تصویب شورای امنیت برسد. زمینه فعالیت‌های بیشتر برای ممانعت از تداوم جنگ، فراهم گردد.

هیاتی از اتحادیه عرب به سرپرستی شاذلی قلیبی دبیر این اتحادیه نیز با خاوربیرز و کوئینار دبیر کل سازمان ملل متحد ملاقات کرده و خواهان تصویب قطعنامه در دست بررسی شورای امنیت گشته است. در هفته گذشته ملک حسین به دمشق رفت و با حافظ اسد ملاقات کرد. با این کنتایب مذاکرات آنها انتشار نیافت، اما می‌توان گفت جنگ ایران و عراق و مناسبات خصمانه سوریه با عراق و در سمت مقابل، مناسبات دوستانه آن با جمهوری اسلامی، از جمله محورهای مذاکره بین سوریه و اردن بوده است. از سوی دیگر سرهنگ قذافی رهبر لیبی در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی الرای العام خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق شد. حزب سوسیالیست یمن دموکراتیک نیز در کنفرانس سرتاسری هفته گذشته خود مجدداً بر ضرورت پایان یافتن جنگ ایران و عراق تاکید کرد و این موضوع را در قطعنامه پایانی کار خود گنجانند.

اکنون کویت در کانون برخی از تحولات منطقه در رابطه با جنگ ایران و عراق قرار گرفته است. کویت خواهان مصون بودن نفت کش‌های خود از تعرضات جنگی است. قرار بوده است از اول ژوئیه ۱۱ نفت کش کویتی با پرچم آمریکا در خلیج فارس

و دریای عمان رفت و آمد داشته باشند.

آمریکادر خلیج فارس

و دریای عمان

حرکت نفت کشتی‌های کویتی با پرچم آمریکا و یا اسکورت آنها، موضوع حضور آمریکا در منطقه را خاصه پس از قضیه حمله هوایی عراق به ناو آمریکایی "استارک"، به موضوعی بحث انگیز تبدیل کرده است. بحث انگیز هم در سطح منطقه و هم در درون هیات حاکمه آمریکا، ریکان و پنتاگون بر تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه تاکید می‌کنند. عواقب این امر چه خواهد بود، بویژه در صورت یک "ماچراچوبی" از سوی آمریکا و یا جمهوری اسلامی؟

آمریکا باز است بر فرار کننده "امنیت" می‌خواهد حضور خود را در منطقه تقویت کند. آمریکا می‌خواهد به متحدین عرب خود بفهماند که ناوگانهای اوست که تنگه هرمز را باز نگه داشته است. اما همین متحدین عرب نیز از عواقب چنین "امنیتی" هراسانند. آمریکا با خود تشنج بیشتر راه همراه می‌آورد.

زمینه تشنج را جمهوری اسلامی فراهم کرده است. لیکن رژیم نمی‌تواند و نمی‌خواهد تا آن حد پیش رود که تشنج در خلیج فارس مساله صدور نفت ایران را نیز مختل کند. تشنج در خلیج در درجه اول برای جمهوری اسلامی تا آن حد سودمند است که کویت نتواند از امکان رفت و آمد دریایی خود به سود عراق بهره‌گیرد. جمهوری اسلامی از تشدید فضای تشنج در منطقه بهره‌گیری تبلیغاتی نیز می‌کند و می‌کوشد بدان بار مستقلاً از تداوم جنگ ایران و عراق و جنگ طلبی خود بدهد. اکنون بویژه در شرایطی که شورای امنیت سازمان ملل متحد، بعنوان مهمترین مرجع بین‌المللی، جنگ ایران و عراق را در دست بررسی دارد، این بهره‌گیری تبلیغاتی از تشنج در خلیج فارس برای رژیم اهمیت یافته است.

تداوم کشتی کج

سران جمهوری اسلامی پیشاپیش به حمله تبلیغاتی علیه شورای امنیت رو آورده‌اند. از سه هفته پیش این تبلیغات بالا گرفته است. از جمله خامنه‌ای در مقام رئیس شورای عالی دفاع و رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه ۲۲ خرداد تهران گفت: "ما مصوبات شورای امنیت را به چیزی نخواهیم گرفت و قبول نخواهیم بقیه در صفحه بعد

جنگ...

بقیه از صفحه قبل

کرد. " خامنه‌ای در ادامه این سخنان به نوعی موضوع آتش بس، آنهم صرفاً در آبهای خلیج فارس را پیش کشید و گفت: "اگر از ایران و عراق خواسته شود که کشیدها در خلیج فارس زده نشود، این خوب است" و بلافاصله افزود "اما آخرین نکته این است که در خلیج فارس هر اتفاقی بیفتد، در سرنویت جنگ در مرزهای خاکی ما هیچ تاثیری نخواهد داشت." (رسالت - ۲۲ خرداد)

نحوه فرمول بندی پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد شورای امنیت نیز جز این نخواهد بود، تداوم کشتی کج در جبهه زمینی و قطع آن در عرصه دریا و هوا، اما اگر پای تحریم فروش اسلحه پیش کشیده شود، چه خواهد شد؟ جمهوری اسلامی در این زمینه به امتیازدهی‌های بیشتری رو می‌آورد. موسوی نخست وزیر پس از بازگشت از سفر ترکیه اهمیت مذاکرات خود با سران ترکیه را آن دانست که این کشور عضو ناتو است. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چند بار این نکته را متذکر شد. بهر حال، مناسبات بین‌المللی در جهان سرمایه داری، آنقدر سوراخ دارد که جمهوری اسلامی را امیدوار کند از طریق آنها سلاح‌هایی به او رسانده شود.

اما فشار بین‌المللی یک واقعیت است و دیپلماسی پنهان تا حد معینی می‌تواند جایگزین دیپلماسی آشکار شود. واقعیت مهمتر تاثیر عوامل داخلی است. اما همچنان که تاکید کردیم عملکرد عینی منطق و واقعیت یک چیز است و تاثیر آن در ذهن فقها یک چیز دیگر. فقها حتی اگر به این نتیجه برسند که نمی‌توانند به جنگ ادامه دهند، خود مدتها به تبعیت از نیروی ماند حرکت دستگاه ایدئولوژیک خود در زمینه جنگ طلبی، شعارهای جنگ طلبانه خواهند داد. امام‌میان فقهای رهبری کننده رژیم هنوز نمودی از رسیدن به این نتیجه گیری دیده نمی‌شود. رسیدن به این نتیجه گیری، از خلال درگیری‌هایی جدی می‌گذرد. رآل پلینتیک آخوندی هنوز تا یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ، خیلی فاصله دارد. اما مردم، دیر زمانی است به نفرت از جنگ ارتجاعی رسیده‌اند و از توهم در این زمینه فاصله گرفته‌اند. در فاز فعلی، مردم، نفرت از جنگ را بیشتر از کلاشته با نفرت از خمینی، قرین خواهند ساخت. ■

فرا تر از جنون

حکومت او را شاهد شهادت، به دلیل آن همه جنگ و کشتار... یکی گفت اگر شهادت امام زمانی بپاید که جنگ باشد، کشتار باشد، مجروح باشد، معلول باشد، جنگیدن باشد، ما آن امام زمان را خواسته بودیم. ما امام زمانی را خواسته بودیم که بپاید و با آمدنش چنسا ارزان شود. بعضی‌ها می‌گویند در زمان امام زمان، جنس را آدم‌ها با صلوات می‌خرند، پول هم نمی‌خواهد کوبیم هم نمی‌خواهد. ما امام زمانی نمی‌خواهیم که وقتی می‌آید جنگ داشته باشیم، باز معلول داشته باشیم، باز مجروح داشته باشیم...

همه ما می‌گوییم پشت میزی که نشستیم، صبح می‌رویم راحت می‌نشینیم تا غروب. ما پشت جبهه را ننگه داشته‌ایم! از میدان جهاد در رفتیم و آمدیم پشت میز و می‌گوییم اینجا هم جبهه است؟ از میدان جهاد فرار کردیم و آمدیم روی صندلی و می‌گوییم اینجا هم جبهه است؟ اگر اینطور است و ای بر ما!

اگر ما ارقام دقیق را به مردم می‌گفتیم بهتر بود، چون مردم فکر می‌کنند اوه، در این جنگ ۷ ساله ما چقدر شهید دادیم. ولی می‌گوییم ۷ سال، سالی ۱۰ هزار شهید ۷۰ هزار شهید دادیم. حداقل به صد هزار هم شمرده است. ولی من رقم بالا را می‌گیرم و می‌گویم برادر، مادر یک جنگی شرکت کردیم صد هزار شهید دادیم، دوست هزار شهید دادیم، سی صد هزار شهید دادیم، یک میلیون شهید دادیم، بیشتر از این که نیست با ادامه این جنگ! ■

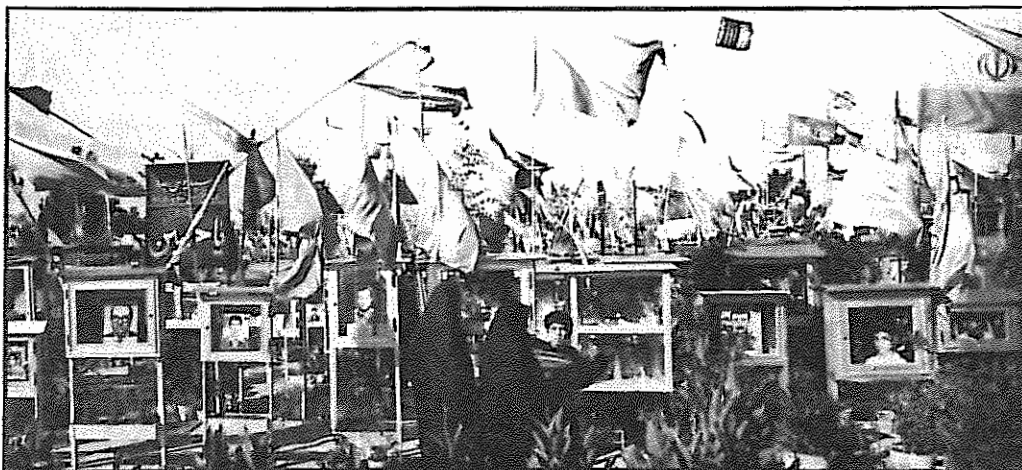
باید مقاومت کنیم، پس حداکثر ۲۰ سال می‌توانیم بجنگیم. خیر! امام فرموده است که ما باید ۲۰ سال بجنگیم، این کلمه ۲۰ بیان کثرت است شه‌تعیین عدد. یعنی اگر ۲۰ سال و ۱ ماه باشد ما نمی‌جنگیم؟ اگر ۲۲ سال بشود نمی‌جنگیم؟ این چه تصویری است که ما از جهاد و جنگ داریم؟... این تفکر، تفکر غلطی است که همواره چرتکه بزنییم که جنگ شد ۷ سال و یک ماه، شد هفت سال و ۲ ماه، مثل این سربازهایی که تازه به سربازی می‌روند. از همان روز اول که می‌روند به سربازی، شمارش معکوس را شروع می‌کنند. می‌گویند ۲۲ ماه ۲۹ روز ۱۲ ساعت و چند ثانیه از خدمت باقی مانده است. ما از اول شمارش معکوس را شروع کردیم که آقا جنگ کی تمام می‌شود؟ یعنی چه، جنگ کی تمام دارد؟ بعضی‌ها می‌گویند آقا تا کی شهید بیاورند؟ این چه حرفی است؟! مثل این که یک کسی بگوید تا کی من نماز بخوانم، تا کی ما روزه بگیریم؟ دو جور دید هست، یک دید این است که من راحت زندگی کنم، از زن و فرزند و زندگی دور نمانم، فرزندم از من دور نماند، زندگی، بسادگی، باخوشی بگذرد. یک جور دید این هست که خدایا، با کفر بجنگیم!... فرهنگ جنگ برای بعضی‌ها چا شیفناده است. بعضی‌ها با تردید می‌شکند...

اگر مردم بدانند هنگام ظهور امام زمان چه اتفاقی می‌افتد، اگر میدان جنگ و جهاد و کشتار را ببینند که به دست امام زمان چقدر آمده‌ا کشته می‌شوند، خیلی‌ها دلشان می‌خواهند امام را شهیدند و دوران

تهلیفات جنگ طلبانه بیان اسلامی اکنون دیگر نمی‌تواند برای توجیه خود صحبت "دفاع از مذهب" را پیش کشد و بر شایو نالیسم ارتجاعی سوار گردد. این تهلیفات اکنون در شکل عربیان خرد می‌گوید مای جنگیم، برای این که بجنگیم، ما به عشق خون و کشتار می‌جنگیم. بر جلوه کردن سادیسیم بیان اسلامی بی علت نیست. سادیسیم بیان اسلامی می‌خواهد در برابر علامت سوالی که مردم با غیظ و نفرت در برابر جنگ می‌نهند، پاسخی ارائه دهد. این پاسخ را ضمن اشاره به آن سوال، حجت الاسلام پلیدی به نام روحانی، رئیس کمیسیون دفاع مجلس، در اطلاعات ۲۴ خرداد چنین تبیین کرده است:

"با میزاشها و معیارهای انسانهای سطحی، ساده لوح، ساده بین، چقدر زیبا و خوب است که انسان بماند، سالم هم بماند، زندگی مرفهی هم داشته باشد، عمری بس طولانی داشته باشد و در نهایت، بدون بیماری، بدون دردسر، با کمال راحتی دردم جان سپارد، آن هم در زمانی که از درواج کرده باشد و فرزندانش بزرگ شده باشند.

خیلی‌ها الان می‌پرسند و می‌گویند آقا جنگ تا کی؟ تا کی مردم شهید بدهند؟ تا کی جوانها شهید بشوند؟ جنگ کی تمام می‌شود؟ ما بی تعارف می‌گوییم در طول عمر باید یک بار جهاد اتفاق بیفتد، آن هم هفت روز، آن هم یک ماه، آن هم دو ماه، جنگ هفت ساله شداریم، ما جنگ ۱۰ ساله شداریم، ما جنگ ۲۰ ساله شداریم. بعضی از آدمهای دوران ملانظلی می‌گویند چون امام فرموده جنگ اگر ۲۰ سال هم طول بکشد، ما



سیستان و بلوچستان

زندگی در فراسوی فقر

(بخش اول)

مجبوریم از محل درآمدهای دیگر علوفه گرانقیمت از شهر تهیه کنیم که گاهی آشهم میسر و ممکن نیست.

آشجه از روستای "ریگ چاری" در گزارش کیهان گفته شده، تصویر کم رنگ گوشه ای از این دیار تشنه و گرسنه است. با اینهمه آشجه در همین سطور به چشم می خورد گواهی است بر اینکه سیستان و بلوچستان آیینی تمام نمای فقر و محرومیت است، چرا که "ریگ چاری" رادر وجود اکثریت روستاهای

هامون طغیان کرد و عده ای کشته شدند. آنها همین کهرتشین های فلاکت زده هستند که هر بار دسته دسته می میرند، اما نه فقط با سبیل.

روستایی بلوچ و زاپلی از همه چیز محروم است. در گزارش کیهان می خوانیم که،

"روستای "ریگ چاری" بطور کلی از هیچگونه وسایل رفاهی برخوردار نبوده و زندگی آنها تقریباً ابتدایی و قرون وسطایی بوده و نه از بهداشت و درمان و نه آب و برق و حمام و مدرسه و از وسایل امروزی در اینجا خبری نیست، و بچه ها بطور کلی ۹۰ درصد بی سواد بار می آیند و ۱۰ درصد بقیه هم چنانچه امکاناتی برای رفت و آمد به شهر داشته باشند می توانند به تحصیلات خود ادامه بدهند. از روستا به شهر بطور کلی وسیله نقلیه نیست، مگر بصورت اتفاقی و تصادفی انوموبیلی به شهر برود تا روستائیان که در شهر کاری دارند و حامل مریضی هستند بتوانند خود را به شهر برسانند. پیرمردی... در پاسخ این سؤال که آیا درآمدش از حصر باقی و دامداری کفاف معاش او را می کند یا خیر، گفت: دامداری در سال هایی که مثل امسال خشکسالی است بسیار سخت است و برای نگهداری چند گاو گاهی

آشجه که هست را نمی توان تنها فقر نامید، چیزی در فراسوی فقر است. فقر آنچنان مهیب است که هیچ کس را یاری انکار آن نیست. در گزارش روزنامه کیهان نیز به آن اعتراف می شود و با اشاره به نوشته مولف انگلیسی گفته می شود که امروزه نیز "در سیستان همچنان شاهد زندگی روستائیان با همان شیوه اولیه دهها سال قبل هستیم."

طرح یک روستا

" همه جا زنی و حصیر محصور و مسقف بود و در هر سوردیگی ازنی های بلند بهم بافته تشکیل دیواری را می داد که یا محل سکونت روستائیان و یا جای نگهداری دام و طیور بود. این روستا با بعبارت دیگر حصر آباد که در ساحل شرق دریاچه هامون قرار گرفته "ریگ چاری" نام داشت و از لحاظ کشوری جزو بخش "پشت آب" زاپل است. "ریگ چاری" که سکنه کهرتشین آن کهرهای خود را در فواصل نامنظم و پراکنده ایجاد کرده اند حدود ۲۰۰ خانوارند که عموماً از شغل دامداری و صید و شکار پرندگان، برده و حصیر بافی امرار معاش می کنند..."

این طرح یک روستای سیستان در نخستین نگاه است، کهرهایی در کناره هامون، بسیار شنیده ایم که سیل آمد و

استان سیستان و بلوچستان آیینی تمام نمای فقر و محرومیت است. غبار رنجی که سال سیمای زحمتکش بلوچ یا سیستانی را پوشانده است. این رنج بویژه در چهره روستائیان این دیار پرشودتر است. این رنج پاروپیوار است که تا به امروز استمرار یافته است. روزنامه دولتی کیهان (۲۶ اردیبهشت ۶۶) در گزارشی از سیستان و بلوچستان به نقل از یک مولف انگلیسی زندگی روستائیان این منطقه را در سالیان دورتر چنین تصویر می کند:

"... ائانه یک خاشوار عموماً یک چرخ شیخ ریبی (در اصطلاح محلی "چر" نام دارد) - یک گهواره چوبی سنگین (که اکثر آموروئی است) و آسیای دستی می باشد. کف کهرها انباشته از حصیرها، سدها و پوششهای نامناسب و کثیف است و گاهی یک تفتنگ سربر نیز پای دیواری گذاشته شده و یابه اسکلت کهر آویخته است... معدودی ظرف برای گرم کردن شیر و پختن غذا و همین ها کل مایملک یا تمام ائانه زندگی یک خاشوار کاورد می باشد."

این تصویر فقر دیروز است اما در عین حال تصویر کاملی از رنج و فقر امروزی هم هست. محرومیت پایدار، همه چیز را بلا تغییر نگه داشته است.



این استان می توان شناخت و ساکنین رشدیده آنرا در وجود بخش اعظم روستائیان سیستانی و بلوچ که داغ بیدادستگران بر چهره شان نقش بسته است.

در شماره آئینده نشریه بر ابعاد این واقعیت تلخ به گوشه ای گسترده تر نظر می افکنیم.

پیتا آوری پلم چ

۴. گاوه

چنان خوانیم آتشناک،
که پژواکش، ستمگر را بسوزاند.

نکه کن آه تفتان را!
به دل رنج تو را دارد،
که از آهش نمی کاهد.
نکر طغیان عمان را،
که با امواج بیدارش
تورا چون خویش می خواهد.

هلا!
فرزند کوهستان
لهبیده زیر گام "شیخ و شاه و خان"
دهن پیر را بدوش افکن
بن بیداد را برکن
به هر سویی خروش افکن
که ما چون کوه تفتانیم
به سان خشم عمانیم.

۱- تفتان، کوه معروف بلوچستان است که بخاری سفید رنگ از دهانه آن متصاعد می شود.
۲- دهن پیر- تفتنگ قدیمی بلوچهاست.

ضربت آخر؟
بیا این هستی غمبار را،
آوار گردانیم. وسنگ کاخ فردا را،
برین آوار بگذاریم.
که ما آئینده سازانیم.

بیا آغوش وحدت را
به روی خلق کردستان،
برادروار بکشاییم
که ما در راه آزادی،
شریک رزم گردانیم.
بیا ای تفته برسد آن تاپستان
بیا ای پتک محنت بر سرت کوبان
به دستت چرخ بیکاری،
به پایت میخ بیکاری
بیا ای سنگ تپیا خورده دوران
بیا ای اخگر عصیان،
بیا!
راه قیام کارگرا را،
که می توفند چون توفان
که پویانند چون دریا
که تنها منجی خلق اند، بسیاریم.
و آزادی ایران را،

بیا بدر بهاران را،
به دشت بی گل و خشک بلوچستان،
بر افشانیم
وسیر ایش کنیم از چشمه خوفین دلها مان
که اشک چشم حرمانیم.
بیا سنگ درشت مشتها مان را،
به هم چینیم چون کوهی،
که نیرو مندتر، از کوه تفتانیم. (۱)

بیا با خون کلگون شهیدان،
پرچی سازیم
بهام کوه تفتانش،
بر افرازیم
و در پایش،
سرود آسمان سای رهایی را،
رها سازیم.
که جانها زان ایرانیم.

کهرها،
بادگار رنج چانسوز بلوچا شدند
بیا فانوس شادی را،
ز خون خود بر افروزم.
کهرهای سیه را،
روشنی بخشیم،
که ما آیینده دارانیم.
بنای هستی سنگین امروزی و پیرارین،
ترک خورده ست،
چون جام سفالینی،
که امین مشت قهر آمیز ویرانگر،
زند بر این بنای محنت آور،

نوسازی و آگاهی اجتماعی

الکساندریا کولف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در پلنوم هفته گذشته کمیته مرکزی به عضویت دفتر سیاسی برگزیده شد، ماه آوریل در یک گردمایی با شرکت روشنفکران علمی و هنری در دوشنبه (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان) سخنرانی کرد. در زیر بخشی از این سخنرانی را می‌خوانید:

* * *

نزدیک به دو سال از هنگامی که پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. فصلی نوین در زندگی ما کشود، می‌گذرد. این دوره کوتاه برای کشور، حزب و هر یک از ما بسیار مهم بوده است. اهمیت آن را یک واژه کوتاه ساده تعریف می‌کند: نوسازی.

و اگر در مقایسه امروز با آن گذشته نه چندان دور بپریم که چه چیز در این دوره به ملموس‌ترین وجه تغییر کرده است، من می‌گویم این ماهستیم که پیش و بیش از همه و همه چیز تغییر کرده‌ام. ما به گذشته و حال خود کامل‌تر و دقیق‌تر، و به آینده، واقع‌بینانه‌تر می‌نگریم. ما هنوز در حال آموختن بسیاری چیزها هستیم، اما بسیاری چیزها را نیز دریافته‌ایم، درک و احساس کرده‌ایم. ما به نیروی تجربه، دانایان و پخته‌تر شده‌ایم، اما قلبها، احساسات و امیدهای ما جوانتر شده‌اند.

نوسازی، نه در گذشته، که در آن عناصر گذشته است که ما نمی‌توانیم و حق نداریم با خود به آینده ببریم. و این، نه به خاطر نوعی ارجح‌سازی‌ها و ترویج‌جویی‌های ذهنی، بلکه بدین خاطر است که این موانع و نظایر آن می‌تواند پیشرفت ما را کند سازد، ما را واپس کشد و یادریک کلام چلوی کام نهادن ما به سوی فردا را بگیرد. به بیانی دیگر، نظام‌کنندسازی پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ما، که شکل گرفته، نیروی بازدارنده‌ای آنچنانی گرد آورده و تا همین لحظه نیز ظرفیت خود را برای ایجاد سکون به نمایش گذاشته است، هر چه باشد باید از میدان بدرود.

ممکن است پرسشی طرح گردد: آیا بهتر نیست از تعجیل در رخدادها اجتناب کنیم؟ نه، ماندن در موضع انفعال و انتظار خونسردانه و بی‌تفاوت، غیر مجاز و غیر منطقی است.

چنین برخوردی به دلایل بسیار مجاز نیست، پیش از همه بدین خاطر که جامعه ما نخستین جامعه‌ای در تاریخ است که به جای سپردن خویش به دست امواج، آگاهانه خود را رشد می‌دهد و پیوندها و روابط درونی خود را تکامل می‌بخشد.

ما هم به لحاظ مادی و هم به لحاظ معنوی بسیار نیرومندتر شده‌ایم. شرایط زندگی، امروز به یمن کوششهای نسلها، به کلی تغییر کرده است. مسائل به ارث رسیده از جامعه کهن، حل شده‌اند. مواضع بین‌المللی ما مستحکم و پرنفوذ، و نیروی دفاعی ما قابل اعتماد است. بدین ترتیب، حاشیه اطمینان لازم فراهم شده و جامعه را قادر ساخته است به سوی کیفیتی نوین پیش رود.

اما همه این دستاوردها به طور خودبخودی و رأساً

آغاز به کار و پیشرفت نخواهد کرد. باید تمرین‌ها را در این دستاوردها را آموخت، یعنی باید کار کردن، کار کردن خلاق، با به حساب آوردن نه تنها آن چیزهایی که عادت شده است، بلکه همه جوانب نوین که بطور مداوم در زندگی روزمره ظهور می‌کند، را فرا گرفت.

علاوه بر این، منتظر قضاوت زمان شدن، در یک کلام، غیر منطقی است. در حقیقت زمان حکم خود را داده و اعلام کرده است. نوسازی به لحاظ تاریخی، ضروری، و بنابراین این اجتناب‌ناپذیر است. شتاب بخشیدن، تنها پاسخی به مسئله چگونگی افزایش ارقام شاخص رشد اقتصادی، علمی و تکنولوژیک نیست، بلکه کاوشی برای یافتن راهها و ابزارهای موثری است که به کمک آن، جامعه سوسیالیستی بتواند در آینده قابل پیش‌بینی در روند ترقی اجتماعی جهانی به تپلور هر آنچه پیشرفته و انسانی است و به انکوری تمرین اجتماعی و سعادت معنوی تبدیل شود.

وظایف نوسازی در عرصه آگاهی اجتماعی از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. ما باید با پیگیری سطح فعالیت اجتماعی را ارتقا بخشیم و خلاقیت توده‌ها را رشد دهیم، و بدین‌گونه بنیان ایدئولوژیک و تئوریک نوسازی را مستحکم سازیم و گسترش بخشیم. ما باید دانشا در پی یافتن پاسخ به مسائل پیچیده فراوانی باشیم که زندگی مطرح می‌سازد، و مسائل، تنگناها و دشواریها را پیش‌بینی کرده اقدامات لازم را انجام دهیم و بدین‌گونه، به امر نوسازی و روند شتاب بخشیدن یاری رسانیم. این است سمت اصلی کار.

امر دیگری که از اهمیت کمتری برخوردار نیست، غلبه صحیح بر روندها و پدیده‌هایی در عرصه آگاهی است که ثمره عملکردهای دهه‌های گذشته اند و ما سرآشتی با آنها نداریم. گرایشهای منفی، در طول مدتی طولانی و بدون آنکه به مقاومت موثری برخورد کنند، رشد کرده‌اند. در این دوره طولانی که طی آن یک نسل از مردم شکل گرفتند، رشد حرفه‌ای و شخصی مردم تحت تاثیر مخرب سکون، ادامه یافت.

دگماتیسم در میان بیماریهایی که عرصه معنوی و تفکر علمی را هم در رابطه با تاثیر محروم سازنده آن و هم در رابطه با خطری که به علت ماهیت ضد تکامل دگماتیسم، متوجه امر شتاب بخشی می‌سازد، جای ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد.

طرز فکر دگماتیک، ناتوانی و بی‌اعدم تمایل به درک پدیده‌های جهان عینی در کلیت آنها و دریافتن پویایی و تضادهای رشد است. دگماتیسم جهان پیرامون را یک مجموعه خشک، و علم را یک رشته "حقایق" و اندیشه‌های خطاناپذیر تصور می‌کند.

روشن است که دگماتیسم، نه یک تئوری علمی، که موضعی در زندگی است که منافع فردی و گروهی آن را ایجاد می‌کند. جوهر دگماتیسم به مثابه یک پدیده اجتماعی، تأثیری است که تفکر دگماتیک در سازماندهی زندگی معنوی جامعه و بر روندهای پیشرفت آن می‌گذارد. از این دیدگاه، تعریف دگماتیسم بعنوان طرز فکر مستبدانه که به یک اصل

سیاسی، اخلاقی و فکری تبدیل شده است، صحیح است. این کارکرد اجتماعی، کاملاً بر منافع آنهایی که نفعی در رشد ندارند، آنهایی که موقعیت "راحت" و عادی موجود را شخصاً می‌پسندند، و آنهایی که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند به مقتضیات زمان، به پدیده‌های نوین در زندگی پاسخ دهند، منطبق است. پیش‌شرط تضمین ایدئولوژیک و تئوریک نوسازی، درهم شکستن دگماتیسم، این عنصر ماهوی مکانیسم کندسازی روندها در عرصه آگاهی اجتماعی است.

دمکراسی سوسیالیستی، ابزاری موثر در شتاب بخشیدن به سنت‌گیری آگاهی به سوی تحولات انقلابی است. دمکراسی، اگر به حرف محدود نشده، در عمل تحقق یابد، مطمئن‌ترین مکانیزم پرورشی است. هم تجربه اجتماعی و هم اعتماد به انسان، در مردم موضع فعال در زندگی را تقویت می‌کند. چنین امیدواری‌ای، آفریننده احساس مسئولیت، علاقه به مشارکت، ابتکار و پیگیری در دستیابی به اهداف تعیین شده است.

نمونه عرصه فرهنگ و سیاست فرهنگی را بگیریم. می‌توان گفت که در هیچ عرصه‌ای مانند این عرصه، پیشداری‌های دگماتیک نداشته‌ایم. مسائل مربوط به اینکه چه چیز در گفتن، نوشتن و تولید برای سینما و تئاتر، مجاز و چه چیز ممنوع است، با بی‌احساسی بوروکراتیک حل می‌شد. و نتیجه چیست؟ در زندگی واقعی روشن شد که محدودیت‌های مصنوعی و فضای پنهانکاری که این آثار در آن خلق می‌شد، به تحکیم مواضع انحصاری اشخاص، گروه‌بندیها و سبک‌ها به ضرر دیگران می‌انجامد.

خلاقیت هنری، به نیاز اجتماعی خودشناسی و خودارزش‌گذاری خدمت می‌کند. هنر، احساس همدردی، مهربانی و درک روحیات دیگران را ایجاد می‌کند. با زتاب هنری جوهر زندگی روزمره، توانایی فرارفتن از مرزهای آن و ترویج معیارهای گسترده اجتماعی و اخلاقی - این است وظایف هنر اصیل و در عین‌حال، نشانه‌های آن. رشد اخلاقی، تصفیه معنوی و تکامل فرد و کل جامعه بدون چنین کاری که دشوار و بعضاً توأم با رنج است، نمی‌تواند صورت پذیرد و صورت نمی‌پذیرد.

رواج گسترده برخورد تکنوکراتیک به حل بسیاری از مسائل، از جمله به ویژه مسائل اجتماعی، از آغاز با کم بها دادن فاحش به نقش و اهمیت علوم اجتماعی پیوند خورده است. این نوع برخورد که ریشه در اکونومیسم مبتدل دارد، هنوز هم ریشه‌کن نشده است. این برخورد، حل مسائل اقتصادی تولیدی و فنی را بعنوان مانعی مستقیم در برابر وظایف اجتماعی درک و تفسیر می‌کند. گاه نظام مدیریت اقتصادی نسبت به نظام مدیریت کل جامعه اولویت می‌یابد.

وظیفه علوم اجتماعی به کلی‌ترین بیان آن، ارائه طرحی جامع و برنامه عمل برای نوسازی نه تنها در هر یک از عرصه‌های آن، بلکه در کل واحد آن و در هم‌پیوندی همه عرصه‌های زندگی جامعه است. به جای تمجید از نوسازی در حرف، نوسازی باید در عمل، بر روی مبنایی زمینی تحقق پذیرد و وارد طرح درازمدت رشد جامعه شود.

با این حال وظایف علوم اجتماعی به این محدود نمی‌شود. عرصه خدمت آن به جامعه بسیار گسترده‌تر است. علوم اجتماعی باید به گونه‌ای تعیین‌کننده به امر ایجاد و تقویت فضای پویایی فکری یاری رساند.



بقیه از صفحه آخر

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

شوروی را برآورده کرد. برنامه اصلاحات در زمینه مدیریت اقتصاد که در پلنوم به تصویب رسید امرم نیرومندی را برای شتاب بخشیدن به روند فوسازی به وجود می آورد. کارباچف افزود: "در حال حاضر، اتحاد شوروی، جامعه ای در حال تحول سریع، با روحیات و امیدهای فوسینی است. این جامعه، به جنبش درآمده، افکار، به کار افتاده، اقدامات عملی، مجدداً تر می شود و روز بروز نتایج محسوس تری به بار می آورد. تصمیمات پلنوم، خط مشی استراتژیک حزب دایر بر تسریع پیشرفت و فوسازی امور اقتصادی را تا حدود زیادی ژرف تر می کنند. این تصمیمات، تنها به شرطی که توده های چندین میلیون زحمتکاران را به این روند جلب کنند، موفقیت آمیز خواهند بود. بدین جهت، می توان گفت خط مشی دایر بر فوسازی، در ماهیت امر با خط مشی دایر بر دمکراتیزه کردن همه شئون زندگی، تلفیق می شود."

طرح قانون موسسات دولتی در اتحاد شوروی که پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. تصویب آن را به عنوان نخستین گام در اصلاح مدیریت اقتصادی پیش بینی کرده است، شامل افزایش اختیارات و مسئولیت موسسات اقتصادی است. طبق این طرح، هر موسسه اقتصادی که سودنده، می تواند از سوی ارگان بالاتر، یعنی وزارتخانه مربوطه، تعطیل گردد. این طرح، به معرض اظهار عقیده مردم گذاشته شده است. *

توجه استقلال عمل واحدهای تولیدی، خودگردانی گروههای تولیدی و نیز اصلاحات اساسی در زمینه برنامه ریزی و سیستم مالی، اعتباری و قیمت گذاری را منظور داشت.

پلنوم، مقرر داشت که شوزدهمین کنفرانس سراسری ح. ک. ا. ش. در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۸ برگزار شود و در آن، نتایج نیمه اول دوره ۵ ساله جاری، ژرفش روند فوسازی و تدابیر ویژه دمکراتیزه کردن پیش از پیش زندگی، مورد بررسی قرار گیرد.

در پلنوم ح. ک. ا. ش. مسائل سازمانی بررسی شد. الکساندر یاکوف، نیکلای اسلیوینکف و ویکتور نیکوف به عضویت دفتر سیاسی کمیته مرکزی درآمدند و دیمیتری یاسوف (وزیر دفاع) به عنوان عضو علی البدل دفتر سیاسی برگزیده شد. سرگئی سوکولف (وزیر پیشین دفاع) به علت بازنشستگی از انضمام وظایف عضو علی البدل دفتر سیاسی معاف گردید. دین محمد کوفایف به علت نارسایی های جدی در زمینه رهبری سازمان حزبی کازاخستان در دوره انضمام وظایف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست این جمهوری متحده، از کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. اخراج شد.

میخائیل کارباچف در سخنان پایانی پلنوم، ضمن جمع بندی نتایج آن گفت: "پلنوم، امیدهای همه مردم

طرح اصلاحات بنیادی در مدیریت اقتصاد گفت: "ضرورت خارج ساختن اقتصاد از موقعیت آن در اوایل سالهای ۸۰، مستلزم تحولات ژرف و واقعا انقلابی است." وی افزود از لحاظ سیاسی، ماهیت سمت گیری اصلاحات در مدیریت اقتصادی با این فرمول بیان می شود: "سوسیالیسم پیشتر، دمکراسی پیشتر."

میخائیل کارباچف در سخنان خود، اشاره مختصری نیز به فرود آمدن ماتیاس روست شهروند آلمان فدرال با هواییکامی یک موتور هواپیما در مسکو داشت. کارباچف از این رویداد به عنوان حادثه ای "از هر لحاظ بیمانند" یاد کرد و از سوی دفتر سیاسی و شورای دفاع اتحاد شوروی تصریح نمود: "نه در حزب و نه در میان مردم نباید نسبت به توانایی نیروهای مسلح در دفاع از کشور، تردیدی وجود داشته باشد."

پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. فعالیت دفتر سیاسی را در زمینه فوسازی جامعه تایید کرده، آن را مامور نمود این خط مشی را به سود مردم و تحکیم امر سوسیالیسم ادامه دهد. پلنوم، اصول بنیادی فوسازی مدیریت اقتصادی با هدف گذرا از شیوه های اداری به شیوه های اقتصادی و دمکراتیزه کردن گسترده سیستم مدیریت را مورد تصویب قرار داد. پلنوم در مصوبه خود، گسترش قابل

دبیرکل کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. خواهان "اصلاحات عمیق اقتصادی" شد و افزود از هنگام کنفرانس ۲۷ پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی، مصوبات این دو مجمع در زمینه اصلاح مدیریت اقتصادی منجر به تغییرات کمی شده اند. کارباچف گفت وزارتخانه ها باید از اداره مستقیم موسسات معاف گردند و تبدیل به مراکز برنامه ریزی شوند، مراکزی که وظیفه آنها، تلاش برای رساندن تولید در اتحاد شوروی به سطح جهانی باشد. رهبر ح. ک. ا. ش. خاطرنشان ساخت: "ما باید دستگاه اداری خود را از سکون و بیچیدگی آزاد سازیم و شمار کارکنان آن را به شدت کاهش دهیم." وی افزود اما در عین حال نقش کمیته دولتی برنامه ریزی (کاسپلان) باید تقویت شود، و این کمیته باید "توازن کل اقتصاد" را تامین نماید. کارباچف بر حفظ نقش رهبری حزب در اقتصاد در شرایط شوین تاکید کرد و گفت وضعیت کنونی، مستلزم تقویت نفوذ ح. ک. ا. ش. در همه عرصه های زندگی جامعه است.

دبیرکل ح. ک. ا. ش. در پلنوم کمیته مرکزی بر ضرورت اصلاحات ریشه ای در سیستم مالی، اعتباری و قیمت گذاری تاکید ورزید. کارباچف پیشنهاد کرد نظام جدیدی از قیمت ها ایجاد شود و به جای تخصیص منابع، موسسات در آینده مواد مورد نیاز خود را از طریق خریدهای عمده تهیه کنند. میخائیل کارباچف در توضیح

شرایط سوسیالیسم باید در این چارچوب مطالعه شود. آنچه ضروری است، تبیین تئوریک قابل اعتماد منافع طبقات، انتشار و گروهها و راههای ادامه تقویت وحدت ایدئولوژیک و اجتماعی جامعه است. همچنین این سؤال مطرح است که مکانیزم سوسیالیستی انگیزه ها باید چگونه باشد.

زندگی همچنین ما را وادار می سازد که به روندهای خود تحول جهانی نیز بگونه ای نوین برخورد کنیم. ح. ک. ا. ش. از این حکم حرکت می کند که تغییرات در این روندها بازنگری جدی و شناختی همه جانبه اند که مستلزم بازنگری جدی و شناختی همراه با جمع بندی از همه عوامل و گرایشهای نوین خود هستند. ضروری است نگاهی تازه به وضعیت امور جهانی افکنده شود و رشد تحلیل تئوریک از آن بگونه ای قابل توجه تحقیق یابد.

اندیشه و طرز فکر نوین سیاسی، متوجه فوسازی مداوم و برخورد نوین در عرصه اقتصاد، علوم، تکنولوژی، امور اجتماعی و ایدئولوژی می شود که در خارج است. جستجوی نو و به حساب آوردن نو به گونه ای که تأثیرات مثبت آن به حد اکثر و لطامت احتمالی آن به حد اقل برسد، معیار نقش ناپذیر کار حزب، هم در عرصه تئوری و هم در عرصه پراتیک است. *

"نمی تواند خلاق الساعه باشد، بلکه از مجموعه تجربه انقلابی و تفکر انقلابی همه کشورهای جهان فرا می رود." اندیشه شتاب بخشیدن، از دریافتن مسائل ریشه ای رشد کشور ما و تعمیم تجربه جهانی فرا رویداد. کار تئوریک همچنین نباید بر امری اساسی نظیر خصلت غیر چرمی آگاهی اجتماعی دیده فرو بندد. این خصلت در شرایط متعددی ریشه دارد. جامعه، که بر آگاهی اجتماعی تأثیر می گذارد و از آن تأثیر می گیرد، پیوسته در حرکت و رشد است.

همه جوانب زندگی درونی ما به تفکر تئوریک در سطح کیفی نوینی نیاز دارند. اما دیالکتیک واقعی رشد جامعه در روند فوسازی باید در این میان جای ویژه ای به خود اختصاص دهد. آفرینش خلاق تاریخ همچنین مسئله قابل کنترل بودن این روند، از جمله ضرورت ایجاد یک نظام باز تغذیه موثر در جامعه را مطرح می سازد. تا امروز این روابط به گونه ای بسیار خود بخودی عمل کرده اند. و لطماتی که در این روند پیش می آید، چه لطمات مادی و چه انسانی که اهمیتش بیشتر است، قابل توجهند.

لازم است که راهها، شیوه ها و ابزارهای شکل دادن فعال به خواستهای انتشار گوناگون جامعه و شیوه زندگی سوسیالیستی به مثابه کل، مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. ریشه ها و ماهیت همه انحرفات مختلف در

در اساس، آنچه در کارکرد سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک ضروری است، رشد ملموس برخورد تئوریک در کل طیف علوم مربوطه به جامعه و انسان است. آیا ما دارای پیش شرطهای عینی بدین منظور هستیم؟ آری. این پیش شرطها از حد اهمیت صرفا پراگماتیک و مصلحت چویانه فراتر می رود. دلایل بسیاری برای این فرض وجود دارد که ما در آغاز مرحله ای کیفی نوین از پراتیک و تئوری سوسیالیسم قرار داریم.

حزب، در دوره آوریل ۱۹۸۵ تا ژانویه ۱۹۸۷ که به لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی بسیار پر بار و شمر بخش بود، خدمت عظیمی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم کرد. کنفرانس ۲۷ حزب، هم نتیجه بود و هم آغاز. این کنفرانس، نتیجه جستجوها، تحلیلها، اندیشیدن ها و رهگشایی ها در عرصه های تعیین کننده تئوری و پراتیک، در عرصه های تعیین کننده سوسیالیسم علمی بود. این کنفرانس، نگرشی جدید به سوسیالیسم و به راهها و چشم اندازهای پیشرفت آن است، تعمیمی نوین در تحلیل جهان زمان ما است.

لنین به ما می آموزد که یک تئوری انقلابی

کره جنوبی: سرنگون باد دیکتاتوری!

علیرغم کمک ۲/۵ میلیارد دلاری آمریکا نتوانست اقتصاد کره جنوبی را رونق بخشد. در آغاز دهه ۶۰، ۲۵ درصد جمعیت قادر به کار در کره جنوبی بیکار بودند. درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰ دلار در سال بود. به ویژه دهقانان از فقر مطلق و گرسنگی رنج می بردند. اعتراضات توده ای، به ویژه در میان کارگران و دانشجویان، به سرنگونی دولت ری و روی کار آمدن دولت چانگ میون انجامید. این دولت، به خواست جنبش توده ای مبنی بر تصفیه پلیس و دستگاه اداری گردن نهاد. اما طرح چانگ برای کاستن ۱۰۰ هزار نفر از ارتش ۶۰۰ هزار نفری کره جنوبی، با مقاومت شدید نظامیان و نیز دولت آمریکا مواجه شد. در ماه ۱۹۶۱، ژنرال پارک چونگ می پایک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. واشنگتن ترجیح داد زمام امور را به نظامیانی بسپارد که در طول سالها، آنان را بصورت نزدیکترین متحدان خود در آورده بود.

دیکتاتوری پارک، دروازه های کره جنوبی را به روی سرمایه گذاران آمریکایی و سپس ژاپنی، گشود. انحصارات ژاپنی، از سال ۱۹۶۵ بدون پرداخت عوارض قابل توجهی، به سرمایه گذاری در کره جنوبی پرداختند. بخشهای صنعتی دارای سطح پایینی از تکنولوژی و نیز ظرفیت های تولیدی مازاد، به کره جنوبی انتقال یافت. صنایع مونتاژ تولیدات ژاپنی، در کره جنوبی تاسیس گردید. در سال ۱۹۶۹، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن، صنایعی که با شرکت سرمایه خارجی تاسیس می شد، "موسسات عام المنفعه" اعلام گردید. در این کارخانجات، اعتصاب به کلی ممنوع اعلام شد. دستمزد کارگران کره ای، بطور متوسط یک هفتم تا یک هشتم دستمزد کارگران ژاپنی بود و بنا بر این، سرمایه گذاری در کره جنوبی برای انحصارات ژاپن سود سرشاری در برداشت. انحصارات آمریکایی و ژاپنی، در عین کسب سودهای کلان، کنترل اکثریت سهام صنایع کود شیمیایی، نساجی، تغذیه و سهام را در دست گرفتند. اکثریت سهام شرکتهای فولاد، کشتی سازی و پالایش نفت در اختیار ژاپنی ها قرار گرفت.

مه ۱۹۴۸ برگزار شد. به موجب قانون، تنها افراد "تحصیل کرده" حق شرکت در این "انتخابات" را داشتند! کره "ری" از این نمایش به عنوان "برنده" بیرون آمد و تشکیل "جمهوری کره" با ادعای نمایندگی سراسر کره را اعلام نمود.

جنگ خونین

در سال ۱۹۵۰، حکومت "ری" در جنوب با بحرانی وخیم مواجه گردید. گرسنگی و فقر، سراسر جنوب را فراگرفته بود. مبارزات دهقانی گسترش می یافت. نفوذ معنوی و سیاسی جمهوری دمکراتیک توده ای کره پیوسته رو به افزایش بود. از سوی دیگر، امپریالیسم آمریکا از تکرار تجربه چین در کره، هراس داشت. واشنگتن، اولین تجربه ملموس مشی جنگ سرد را با آغاز یک جنگ "گرم" به نمایش گذاشت. در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰، تجاوز چنایتکارانه امپریالیسم آمریکا به جمهوری دمکراتیک توده ای کره آغاز گشت.

جنگ کره سه سال به طول انجامید. این جنگ، به تجزیه کره مبر قطعیت کوبید و برای مردم کره، ویرانی های عظیم و گسترده، بیش از دو میلیون کشته و میلیونها آواره بر جای گذاشت. در واکنش نسبت به تجزیه جنوب کره، در سپتامبر ۱۹۴۸ جمهوری دمکراتیک توده ای کره در پیونگ یانگ اعلام موجودیت کرد. در ژوئن ۱۹۴۹، احزاب کارگری شمال و جنوب مدار ۲۸ درجه (مرز شمال و جنوب) وحدت کردند و سپس، نیروهای ملی و دمکراتیک سراسر کشور، "جبهه واحد برای احیای وحدت میهن" را تشکیل دادند. در سال ۱۹۴۸، نیروهای اتحاد شوروی خاک کره را ترک کردند. در مقابل، حضور مستقیم نیروهای اشغالگر آمریکایی در جنوب تا سال ۱۹۴۹ ادامه یافت، و پس از آن نیز فرما شدی واحدهای پلیس و ارتش کره جنوبی همچنان با ارتش آمریکا بود. این نیروها در پی گسترش مبارزات دهقانی و چریکی در جنوب از اواخر ۱۹۴۸، دست به سرکوب خونین این مبارزات زدند.

دیکتاتوری نظامی

حکومت ری پس از جنگ کره

همزمان گردید. کمیته های مزبور از مبارزه دهها ساله علیه اشغال ژاپن (۴۵ - ۱۹۱۰) فراروییده و اتحاد گسترده ای از کمونیستها، محافظه کاران و ناسیونالیستها را در صفوف خود، متشکل کرده بودند. اما نیروی اشغالگر آمریکایی در جنوب، این دولت قانونی را به رسمیت نشناخت. در دهم اکتبر ۱۹۴۵، یک ماه پس از اعلام جمهوری توده ای کره و پیاده شدن لشکر هفتم پیاده آمریکا در ساخل غربی کره، "حکومت نظامی ارتش آمریکا در کره" خود را یگانه دولت قانونی این کشور اعلام کرد. حتی یک نفر از مسئولان این حکومت نظامی بازبان کره ای آشنا نبود!

حکومت نظامی آمریکا، دولت جمهوری توده ای کره را "غیرقانونی" اعلام کرد و در اواسط فوریه ۱۹۴۶، "شورای پارلمانی دمکراتیک" به ریاست سینگمان ری را تشکیل داد. ری که در زمان جنگ در آمریکا ریاست "کمیسوین کره" دولت واشنگتن را برعهده داشت، توانست با حمایت ارتش آمریکا ظرف مدت کوتاهی زمینداران بزرگ، سرمایه داران و بوروکراتها را که در هنگام سلطه استعماری ژاپن با اشغالگران همکاری کرده بودند، تحت رهبری خود درآورد. پلیس کره نیز که توسط ژاپنی ها تعلیم دیده بود، دست نخورده در اختیار حکومت دست نشانده جدید قرار گرفت. در جنوب، حاکمیت ملاکان و سرمایه داران بزرگ حفظ و تثبیت گردید. اما در شمال کره، کمیته های مردمی که ارگانهای محلی حکومت جمهوری توده ای کره بودند، به فعالیت خود ادامه دادند. در بهار ۱۹۴۶ در شمال کره، نخستین مرحله اصلاحات ارضی با تقسیم زمین میان ۷۰۰ هزار دهقان انجام گرفت.

امپریالیسم آمریکا که در آغاز تشکیل سازمان ملل، اکثریت آرای دولتهای تشکیل دهنده این سازمان را پشت سر خود داشت، در نوامبر ۱۹۴۷ طرحی را از مجمع عمومی سازمان ملل گذراند که به موجب آن می بایست انتخابات عمومی در کره، تحت نظارت نمایندگان این سازمان برگزار می شد. نمایندگان سازمان ملل، همگی پشتیبان دارو دسته "ری" بودند. از این رو، اتحاد شوروی اجازه ورود آنها را به شمال کره نداد. "انتخابات" جنوب کره در ماه

کره جنوبی را موج بیسابقه ای از تظاهرات و اعتراضات علیه رژیم دیکتاتوری ژنرال چون دوهمان فراگرفته است. دور جدید از مبارزات مردم علیه رژیم آمریکایی سئول، سه هفته پیش آغاز شد. در آن هنگام، کنگره حزب حکومتی "عدالت"، روتائه وورهر این حزب را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری برای دوره پس از کناره گیری چون دوهمان نمود. رژیم، قصد دارد تا پایان سال ۱۹۸۷، ریاست جمهوری روتائه وو را از تایید یک مجلس "خبرگان" بگذراند و بدین ترتیب، عمر دیکتاتوری را باز هم طولانی تر کند. اما اکثریت عظیم مردم کره جنوبی، مخالف این طرح ضد مردمی هستند. شعار تغییر قانون اساسی، به گونه ای که رئیس جمهور، مستقیماً در جریان انتخابات عمومی و آزاد، برگزیده شود، گسترده ترین طیف از نیروهای مخالف رژیم چون دوهمان را متحد کرده است. در مقابل، رژیم دیکتاتوری که می خواهد از برگزاری المپیک ۱۹۸۸ در سئول برای کسب وجهه بین المللی سوء استفاده کند، اعلام کرده است مباحثات پیرامون تغییر قانون اساسی تا برگزاری این بازیها به تعویق می افتد! گسترش دامنه مبارزات ضد دیکتاتوری، اکنون انجام بازیهای المپیک در سئول را به زیر علامت سؤال برده است.

کره جنوبی، پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور دور و در مسایلی مستقیم اردوگاه سویالیسم است. امپریالیسم می خواهد به هر قیمتی که شده، این پایگاه را حفظ کند. بدین منظور، واشنگتن امکانات کوناگونی را، از کمک به حقوق تحکیم رژیم کنونی گرفته تا بندوبست با نمایندگان سازشکار ایوبزیسیون بورژوازی، مورد بررسی و آزمایش قرار می دهد.

رد پای امپریالیسم آمریکا

پیشینه سیاست مداخله جویانه امپریالیسم آمریکا در کره، به ۱۹۴۵ باز می گردد. در آن هنگام، ایالات متحده که از جنگ جهانی دوم به مثابه سردمدار امپریالیسم جهانی بیرون آمده بود، سیاست "به عقب راندن کمونیسم" و جنگ سرد را در پیش گرفت. طبق توافق قبلی میان متفقین، اتحاد شوروی و آمریکا به منظور خلع سلاح ارتش ژاپن، کره را اشغال کردند. این امر، با اعلام تشکیل دولت جمهوری توده ای کره در سئول از سوی نمایندگان کمیته های مردمی،

تبدیل کره جنوبی به نیول امپریالیسم آمریکا و ژاپن، به "بین‌المللی شدن" اقتصاد کره جنوبی، یعنی ادغام کامل آن در تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری انجامید. در فاصله ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵، صادرات کره جنوبی از ۲۲ میلیون به ۵/۴ میلیارد دلار افزایش یافت. رشد متوسط سالانه درآمد ناخالص ملی، در دهه ۶۰ به ۸/۷ و در دهه ۷۰ به ۸/۱ درصد رسید. اما این رشد، به بهای انطباق کامل اقتصاد بر نیازهای سرمایه خارجی، موقعیت ناپرابر در تقسیم کار اقتصادی و تبدیل کره جنوبی به زائده‌ای از اقتصاد امپریالیستی تمام شده است.

دیکتاتوری نظامی، از هنگام روی کار آمدن در سال ۱۹۶۱، "محیط امن و آرام" را برای غارت انحصارات امپریالیستی به وجود آورد. پارک چونگ‌هی در سال ۱۹۷۱، بدنبال اعتراضات توده‌ای علیه سطح پایین دستمزدها و ۶۰ ساعت کار در هفته، اعلام "وضعیت فوق‌العاده" و در سال ۱۹۷۲ اعلام حکومت نظامی نمود.

پیشنهاد‌های متعدد جمهوری دمکراتیک توده‌ای کره برای احیای وحدت کشور، از سوی دیکتاتوری نظامی در جنوب رد شد. دولت کره جنوبی، که اساس تشکیل آن را کمونیسم سبزی تشکیل می‌دهد،

"کمونیستهای شمال" را دشمن اصلی خود اعلام کرده و نه تنها حاضر به هیچگونه مذاکره نیست، بلکه با طرح افسانه "تهدید از شمال"، تقویت مداوم نیروی نظامی خود را که در وهله اول در خدمت سرکوب مردم کره جنوبی است، توجیه می‌کند.

حماسه کوانگ چو

رشد اقتصادی در سالهای حکومت نظامی، همراه با افزایش هنگفت قروض خارجی گردید. (تا پایان سال ۱۹۸۶، بدهی‌های خارجی سئول به ۵۰ میلیارد دلار بالغ شد.) دولت کره جنوبی برای بازپرداخت این قروض، به سیاست افزایش بازهم بیشتر صادرات روی آورد. همه چیز در اقتصاد کره جنوبی تابع اصل "افزایش صادرات" گردید. در نتیجه، میان ارقام شاخص رشد و توزیع، فاصله هر چه بیشتر شد. وابستگی کره جنوبی به نوسانات بازار جهانی افزایش یافت. توزیع درآمدها، نامتعادل تر تورم و بیکاری، لجام گسیخته‌تر گردید. خود حکومت نظامی و سرکوب آزادیهای دمکراتیک نیز، بخشهای هر چه وسیعتری از مردم را به صف مخالفان رژیم سوق داد. نیروهای پروروازی لیبرال و اقشار متوسط، هر چه بیشتر تحت رهبری کیم دای چونگ و کیم یونگ‌سام، دو شخصیت اپوزیسیون،

متکشل شدند و خواهان "دمکراتیزه کردن کره جنوبی" گردیدند. در اکتبر ۱۹۷۹، بازتاب رشد جنبش اعتراضی در هیات حاکمه به صورت جنگ قدرت حادی بروز کرد. پارک چونگ‌هی توسط رئیس سرویس جاسوسی رژیم خود به قتل رسید. پس از دو ماه کشمکش، ژنرال چون دوهوان توانست قدرت را در دست خود متمرکز کند.

اندکی بعد، کوانگ چوپایتخت استان چولانامدو که از سالها پیش به علت تبعیض اجتماعی و سرکوب سیاسی از مراکز عمده مخالفت با رژیم بود، به صحنه قیام توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری تبدیل شد. نیروهای ویژه ارتش کره جنوبی، برای سرکوب این قیام اعزام گردیدند و ۲ هزار تن را به قتل رساندند.

حماسه پایداری دلیرانه مردم کوانگ چو در برابر نیروهای سرکوبگر، نقطه عطفی در تاریخ کره جنوبی محسوب می‌شود. با واقعه کوانگ چو، بنای ایدئولوژیک حکومت دیکتاتوری نظامی سئول ترک برداشت. مردم به چشم خود دیدند که "تهدید شمال" افسانه‌ای پوچ پیش نیست. این، سربازان چلوپ بودند که به روی آنها آتش کشوندند. این، ژنرال ویکهام فرماده نیروی ۴۰ هزار نفری آمریکا در کره جنوبی بود که عملیات خونین کوانگ چو را

مهانگ کرد. از کوانگ چو به بعد، مبارزه مردم برای دمکراسی با مبارزه برای خروج نیروهای آمریکایی پیوند نزدیکی یافته است.

"دمکراتیزه کردن"

به سبک آمریکایی؟

امپریالیسم آمریکا در سالهای اخیر، نسبت به روند رشد گرایشهای ضدآمریکایی در اپوزیسیون کره جنوبی، واکنش نشان داده است. برخی محافل هیات حاکمه واشنگتن، علاقه‌مند به تکرار تجربه فیلیپین در کره جنوبی هستند و در نظام پارلمانی پروروازی، تضمین بهتری برای ادامه حضور نظامی آمریکا و وابستگی سیاسی - اقتصادی کره جنوبی به امپریالیسم می‌بینند. اما در کره جنوبی نیز، امپریالیسم مانند فیلیپین دست خود را بازگذاشته است. بدیهی است ایالات متحده ترجیح می‌دهد - تا هر جا مقدور باشد - دیکتاتوری نظامی در کره جنوبی را که نزدیک به ۴۰ سال حافظ منافعت بوده است، با برجا نماند. اما واشنگتن در عین حال از این شرکان است که با پافشاری در حمایت از دیکتاتوری، نیروهای رادیکال و ضدامپریالیست در اپوزیسیون کره جنوبی تقویت شوند. از این رو، ایالات متحده به موازات ادامه بقیه در صفحه ۱۵

دیکتاتوری سئول ۰۰۰

بقیه از صفحه اول

در شماره پیشین "اکثریت" گزارش دادیم که روزنامه‌های کره جنوبی، به احتمال اعلام حکومت نظامی در این کشور اشاره داشتند. در روز جمعه ۱۹ ژوئن، دولت کره جنوبی طی یک جلسه کابینه تصمیم گرفت در صورت گسترش اعتراضات توده‌ای، مقررات فوق‌العاده و یا حکومت نظامی اعلام کند. در همان روز، ریگان رئیس جمهور آمریکا از شآرامی در کره جنوبی ابراز "شکراسی" کرد و طی نامه‌ای به چون دوهوان خواهان افسرگیری مذاکرات دیکتاتور با اپوزیسیون پروروازی شد. بدنبال آن، کاستون سیگور، مسئول بخش آسیای وزارت خارجه آمریکا، وارد سئول گردید. پیش از وی، ادرادارد دولنسی یک‌مقام دیگر وزارت خارجه ایالات متحده به سئول رفته بود.

در روزهای شنبه ۲۰ و یکشنبه ۲۱ ژوئن علیرغم تهدید اعلام حکومت نظامی از سوی رژیم، تظاهرات مردم قطع نشد. در شهر پوسان ۲۰ هزار نفر به خیابانها آمده و خواهان برکناری چون دوهوان و انجام انتخابات آزاد ریاست جمهوری گردیدند. در این شهر نیز مانند سایر شهرها میان مردم و پلیس زدوخورد‌های شدیدی روی داد.

در روز دوشنبه ۲۲ ژوئن، چون دوهوان اعلام

کرد حاضر به مذاکره با کیم یونگ سام، رهبر حزب مخالف "دمکراسی و احیای وحدت" است. روتائه‌وو که از سوی چون دوهوان نامزد جانشینی او شده است، ضمن ارائه پیشنهاد ملاقات با کیم یونگ سام، به چون دوهوان توصیه نمود مذاکرات با اپوزیسیون برای اصلاح قانون اساسی از سر گرفته شود و در صورت عدم حصول توافق تا ماه سپتامبر، سرفوشت کشور پس از المپیک ۱۹۸۸، به همه پرسی گذاشته شود.

در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن، کیم یونگ سام با چون دوهوان ملاقات کرد. دیکتاتور در این ملاقات به کیم پیشنهاد کرد گفتگوها پیرامون قانون اساسی دوباره آغاز شود. کیم، این پیشنهاد را رد کرد و خواهان برگزاری فوری یک همه پرسی درباره چگونگی انتخاب رئیس جمهور گردید. چون دوهوان با این خواست مخالفت نمود و مذاکرات به بن‌بست رسید.

لغو بازداشت کیم دای جوشنگ یک رهبر دیگر اپوزیسیون، که در خانه خود در سئول تحت نظر بود، تنها دو روز دوام یافت. وی در روز جمعه ۲۶ ژوئن بار دیگر در خانه خود تحت بازداشت قرار گرفت.

به دعوت چهبه مخالف "ائتلاف ملی برای قانون اساسی دمکراتیک" در روز جمعه ۲۶ ژوئن، علیرغم اعلام ممنوعیت تظاهرات، دهها هزار تن از مردم سئول دست به اعتراض خیابانی زدند. در حالیکه ۲۰ هزار پلیس ضد شورش برای مقابله با مردم به صحنه آمده بودند، چندین برابر این تعداد، در تظاهرات شرکت کردند. رژیم برای جلوگیری از

انجام این تظاهرات، پنجشنبه شب و روز جمعه صدها تن را دستگیر کرده بود.

در جریان زدوخورد‌های پنج‌ساعته مردم با پلیس که تا پاسی از جمعه شب ادامه یافت، به گفته شاهدان عینی صدها تن دیگر بازداشت شدند. به گزارش خبرگزاری‌ها، در همین روز در نزدیک به ۲۰ شهر کره جنوبی تظاهرات مشابهی برگزار شد. در پوسان، ۱۰ هزار تن و در کوانگ چو ۲۰ هزار نفر در این تظاهرات شرکت جستند. کیم یونگ سام، رهبر حزب "دمکراسی و احیای وحدت" تظاهرات صدها هزار نفری روز جمعه را موفقیت آمیز خواند.

کیم دای جوشنگ رهبر "غیررسمی" اپوزیسیون پروروازی (وی به دستور دولت حق مشارکت مستقیم در فعالیت‌های حزبی را ندارد) پیش از آنکه دوباره تحت بازداشت قرار گیرد، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت اگر رژیم، "کام‌هایی به سوی دمکراتیزه کردن" بر ندارد، در آینده نزدیک در کره جنوبی نیز تحولاتی مانند آنچه در اوایل ۱۹۸۶ به سرنگونی مارکوس دیکتاتور فیلیپین انجامید، امکان‌پذیر است.

کاستون سیگور فرستاده دولت آمریکا در پایان دیدار دو روزه‌اش از سئول گفت "امیدوار" است که در سئول "راههایی برای حل بحران" پیدا شود. وی افزود در ملاقات با چون دوهوان مواضع واشنگتن در مورد رویدادهای جاری کره جنوبی را به اطلاع او رسانده است. ●

نگاهی به مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه

سرمایه داران ترک، صیادان طلا

بقیه از صفحه ۱۶

که دیدگاه سرمایه داران ترکیه نسبت به مناسبات با جمهوری اسلامی را نمایش می‌داد. در این کاریکاتور چنین تصویر شده که اوزال در هیئت یکی از فرماندهان امپراطوری عثمانی همراه با لشکریان خود، چمکی سوار بر اسب و شمیر از نیام بر کشیده از هوا بیما خارج شده و به سوی ایران در تاخت و تاز هستند. یک سال پس از آن تاریخ - سفر اوزال به تهران - حجم و سطح مناسبات اقتصادی دو کشور و "عهدنامه‌های" منعقد شده آشکار ساختند که "فاتحان امپراطوری عثمانی" در این لشکرکشی چه غنائم هنگفتی به چنگ آورده‌اند.

ترکیه

فاتح جنگ ایران و عراق

تاکنون بنا بر همه شواهد و آمارها، سرمایه داران ترکیه توانسته‌اند در جنگ ایران و عراق بی‌وزشوند! ترکیه در سالهای اخیر نسبت به جنگ ایران و عراق سیاست بی‌طرفی را دنبال نکرد، بلکه جانب هر دو را گرفت. سرمایه داران و ژنرالهای ترکیه در تمامی این سالها نه تنها روابط خود را با جمهوری اسلامی تقویت کردند، بلکه همچنین مناسبات خود را با عراق نیز گسترش دادند و بر این بستر سودهای هنگفتی به جیب زدند. ترکیه امروز پس از ژاپن و آلمان فدرال بیشترین نقش را در بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی برعهده دارد. بهزاد فبوری وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در گفتگویی با روزنامه کیهان (۲۱ خرداد) به گوشه‌هایی از این مناسبات اشاره کرده است. می‌توان این مناسبات را بسته به ویژگی‌های آن به بخش‌های زیر تقسیم نمود:

۱- صادرات کالاهای غیر نفتی به ترکیه
علیرغم خیال پردازانه سران جمهوری اسلامی در هنگام تغلیم پروتکل‌های اقتصادی با ترکیه در خصوص صادرات کالاهای غیر نفتی، اساس صادرات جمهوری اسلامی به ترکیه را صادرات نفت تشکیل می‌دهد و صادرات کالاهای غیر نفتی از نقش چندانی برخوردار نیست. پروتکل‌های اقتصادی منعقد شده بین طرفین بیشتر بازنایبگر رویاها و آرزوهای جمهوری اسلامی مبنی بر

افزایش صادرات غیر نفتی است. در پروتکل اقتصادی سال ۸۶، میزان صادرات کالاهای غیر نفتی جمهوری اسلامی به ترکیه ۵۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده بود. بهزاد فبوری در باره فضای حاکم بر جلسه مذاکره حول صادرات کالاهای غیر نفتی رژیم به ترکیه در سال ۸۶، چنین عنوان کرده است: "آنها هجوم آوردند برای خرید، مفتی نه آنها بازار ما را می‌شناختند و نه ما بازار خودمان را می‌شناختیم. آنها تند تند پیشنهاد کردند و ما هم از خدا خواسته چون کلی صادر کننده با خودمان برده بودیم، تند تند پذیرفتیم. لذا حجم صورت جلساتی که برای ما آوردند و توافقاتی که در زمینه صادرات کالاهای غیر نفتی به ترکیه - به دور رسید به سقف ۶۰۰ میلیون دلار، روز آخر فکر کردم این ۶۰۰ میلیون دلار رقم بالایی است. گفتیم تجدید نظر کنند و ۱۰۰ میلیون دلار آن حذف شد و رسید به ۵۰۰ میلیون دلار."

افزایش صادرات غیر نفتی است. در پروتکل اقتصادی سال ۸۶، میزان صادرات کالاهای غیر نفتی جمهوری اسلامی به ترکیه ۵۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده بود. بهزاد فبوری در باره فضای حاکم بر جلسه مذاکره حول صادرات کالاهای غیر نفتی رژیم به ترکیه در سال ۸۶، چنین عنوان کرده است: "آنها هجوم آوردند برای خرید، مفتی نه آنها بازار ما را می‌شناختند و نه ما بازار خودمان را می‌شناختیم. آنها تند تند پیشنهاد کردند و ما هم از خدا خواسته چون کلی صادر کننده با خودمان برده بودیم، تند تند پذیرفتیم. لذا حجم صورت جلساتی که برای ما آوردند و توافقاتی که در زمینه صادرات کالاهای غیر نفتی به ترکیه - به دور رسید به سقف ۶۰۰ میلیون دلار، روز آخر فکر کردم این ۶۰۰ میلیون دلار رقم بالایی است. گفتیم تجدید نظر کنند و ۱۰۰ میلیون دلار آن حذف شد و رسید به ۵۰۰ میلیون دلار."

بنابر این پیش‌بینی، صادرات غیر نفتی رژیم به ترکیه در پروتکل اقتصادی سال ۸۶ بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار بود. ولی موضوع اصلی اینجاست که چقدر از این مقدار تأمین شد. فبوری در این باره گفت: "اما در عمل و اجرا با اشکال مواجه شدیم. در زمینه کالاهای غیر نفتی متأسفانه باید بگویم که در طول سال ۸۶ تنها شاید ۴ میلیون دلار از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را انجام دادیم!"

جمهوری اسلامی که با کسری جدی درآمد ارزی مواجه است، در سال گذشته و همچنین در سال جاری حاضر شده است با در نظر گرفتن هر تخفیفی هر آنچه صادر کردنی است به اوزپدل کند. سرمایه داران ترکیه نیز که به این موضوع واقف هستند، کوشیدند تا کالاهای بیشتری را به قیمت ارزان به بازارهای داخلی خود روانه کنند. فبوری در این باره اعتراف کرده است: "طرف ایرانی هم چون می‌خواست صادراتش را افزایش بدهد هر چه آنها گفتند گفت آری." هر همین روال بود که سرمایه داران ترکیه "تند تند پیشنهاد خرید می‌دادند" و "هجوم آورده بودند برای خرید" و جمهوری اسلامی نیز "خدا خواسته" هر آنچه می‌گفتند می‌پذیرفت. اما چنانکه ملاحظه شد رژیم توان صادراتی کالاهای غیر نفتی

اقتصادی، صادرات نفت جمهوری اسلامی به ترکیه برای سال ۸۷ حدود یک میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. البته باید افزود که فبوری درباره سرنوشت "اصرار طرف ترک بر تخفیفهای زیاد" در سال جاری سکوت کرده است.

۲- صادرات ترکیه به جمهوری اسلامی
سود هنگفت سرمایه داران ترکیه محدود به واردات کالا از جمهوری اسلامی نمی‌شود، بلکه صادرات کالا به جمهوری اسلامی نیز شیوه برای سرمایه داران ترکیه فوق‌العاده برحلاوت است. کالاهای صادراتی ترکیه به جمهوری اسلامی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. کالاهای ساخت ترکیه و کالاهای ساخت کشورهای امپریالیستی. برخی از موسسات بازرگانی ترکیه و از جمله شرکت صادراتی آفادولو (آفادولو اکسپورت) با وارد کردن کالاهای کشورهای امپریالیستی و دریافت ۱۵ درصد سود اقدام به صادر کردن این کالاها به جمهوری اسلامی می‌نمایند. سرمایه داران ترکیه نیز کالاهای داخلی این کشور را با بهایی بیش از نرخ رسمی (بین‌المللی) به جمهوری می‌فروشند. فبوری در مصاحبه خود با اعتراف به این موضوع، کوشید نزدیکی فاصله جغرافیایی و عدم مشکل ترانک بندر و کشتی و کامیون را علل خرید گران‌تر از ترکیه معرفی کند. وی گفت: "کمی فاصله باعث شده کمی گرانتر از قیمت‌های بین‌المللی پول بدهیم." فولاد، فرآورده‌های نفتی، کالاهای کشاورزی و مصرفی، لوازم یدکی و قطعات ماشین‌آلات، عمده واردات جمهوری اسلامی از ترکیه را تشکیل می‌دهند. جمهوری اسلامی اصلی‌ترین مشتری برخی از موسسات تولیدی ترکیه به حساب می‌آید. بعنوان نمونه ۵۰ تا ۷۰ درصد کالاهای صادراتی شرکت "بروسان" را جمهوری اسلامی یکجا خریداری می‌کند.

در نشست اخیر سران جمهوری اسلامی با مقامات رسمی ترکیه، مباحث دیگری پیرامون طرح تولید مشترک کالا، مشارکت در صادرات به کشورهای ثالث، پروژه احداث خط لوله گاز به ترکیه، تجدید نظر در تعرفه‌های گمرکی در چارچوب پیمان عمران منطقه‌ای بین سه کشور جمهوری اسلامی، ترکیه و پاکستان... مطرح شده است. آنچه درباره تمام مناسبات جمهوری اسلامی و ترکیه می‌توان گفت این است که سرمایه داران و ژنرال‌های ترکیه چون صیادان ماهری از وخامت اقتصادی حاکم بر کشور، طلا صید می‌کنند! ●

۲- صادرات نفت به ترکیه
در سال ۸۵ جمهوری اسلامی معادل ۱/۲ میلیارد دلار نفت به ترکیه صادر نمود. ترکیه با احداث چند واحد پتروشیمی، بخش قابل ملاحظه‌ای از نفت وارداتی خود را در قالب دیگر فرآورده‌های نفتی به کشورهای دیگر و از جمله جمهوری اسلامی صادر کرد. اما در سال ۸۶ سرمایه داران ترکیه اعلام کردند حاضر به خرید نفت به شکل سابق نیستند و خواهان تخفیفهای بیشتری شدند. جمهوری اسلامی برای دریافت ارز چوب حراج بر منابع نفتی کشور زده است و حتی برخی از مسئولین رژیم - نجف‌آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس - نیز صریحاً اعلام کرده‌اند که حاضر به قائل شدن تخفیف در بهای نفت صادراتی می‌باشند. ولی در جریان مذاکرات سال ۸۶، سرمایه داران ترکیه به تخفیفهای معمول قناعت نکردند. فبوری در مصاحبه خود گفت: "طرف ترک اصرار به تخفیفهای زیاد در قسمت نفت داشت." نتیجه اصرار ویژه سرمایه داران ترکیه به تخفیف زیاد و به موازات آن کاهش بهای نفت در بازارهای جهان، باعث آن شد که کل صادرات نفت جمهوری اسلامی به ترکیه از ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۸۵ به ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۸۶ کاهش یابد. در پروتکل جدید

بزرگترین اعتراضات ۲۰ سال اخیر در اسرائیل و مناطق اشغالی

علیرغم تهدیدات مقامات دولتی و سرمایه‌داران، در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن، ۱۴ هزار کارگر و کارمند فلسطینی که در موسسات تولیدی و خدماتی شهرهای یهودی‌نشین اسرائیل کار می‌کنند، علیه تبعیضات علیه مردم عرب در عرصه‌های مختلف زندگی دست به اعتصاب زدند. در پیش از ۱۰ شهر و روستای محل زندگی فلسطینی‌ها شبنو ادارات، فروشگاهها، کارخانجات، کارگاهها و مدارس تعطیل شد. بسیاری از کارگران یهودی با اعتصاب ابراز همبستگی کردند.

مینکر اعتصاب، مجمع فراگیری از احزاب و سازمانهای فعال در میان مردم عرب، وخواست اصلی اعتصاب، برابری کامل شهروندان عرب و یهودی و قطع اقدامات تبعیض آمیز مقامات اسرائیلی بود. در نتیجه اعمال این تبعیض‌ها، از جمله در توزیع

بودجه دولتی، رقم بیکاری که بطور متوسط ۶ درصد است، در میان اعراب به بیش از ۲۰ درصد بالغ میشود.

در روز چهارشنبه همچنین صدها هزار ساکن کرانه غربی اشغالی رود اردن و شوارغزه در اقدامات اعتراضی علیه اشغالگران شرکت کردند. خبرگزاريها، این اعتراضات را بزرگترین اقدامات اعتراض آمیز در این مناطق از هنگام اشغال آن در سال ۱۹۶۷ تا کنون خوانده‌اند. در مناطق اشغالی موسسات، ادارات و مدارس تعطیل شد. فروشگاهها در این روز بسته بودند. تظاهرات در بیت المقدس شرقی، ضابلس، هبرون، یفین، غزه و چند شهر دیگر، به گردهمایی‌های پرشکوهی علیه سیاست تل‌آویو تبدیل شد. مقامات اسرائیلی برای مقابله با این اعتراضات حضور ارتش در مناطق اشغالی را تقویت کرده بودند.

آغاز مجدد اعتصابات در ایتالیا

بدنحال و قفغای در رابطه با انتخابات پارلمانی، در روز سه شنبه ۲۲ ژوئن اعتصابات در ایتالیا از سر گرفته شد.

در این روز بخش بزرگی از کارکنان راه‌آهن ایتالیا در مهمترین ایستگاههای این کشور برای ۲۴ ساعت دست از کار کشیدند. قرار است لوکوموتیورانان از ۶ ژوئیه تا ۵ اوت به مدت یک ماه، هر روز دو ساعت در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها دست از کار بکشند. در روزهای پنجشنبه ۲۵ و جمعه ۲۶ ژوئن، خلبانان چند ساعت دست به اعتصاب زدند. کارکنان هواپیمایی قصد دارند از آغاز ماه ژوئیه تا آغاز ماه اوت، هر روز دست به اقدامات اعتراضی علیه قراردادهای موجود دستمزد بزنند. کارکنان کشتی رانی نیز هر روز چهار ساعت اعتصاب خواهند کرد.

سرنوشتی دوهواپیمای مسافربری توسط اشرا افغانی

ضد هواپی فوق‌مدرن استیونگر انجام دادند که سال گذشته از سوی دولت آمریکا در اختیار آنها قرار گرفته بود.

روژنامه انگلیسی ایندپندنت فاش ساخت بریتانیا و ایالات متحده در تحویل موشکهای زمین به هوا به ضد انقلابیون افغانی همکاری کرده‌اند. این موشکها دارای برد چندین کیلومتر و ساخته یک کارخانه در ایرلند شمالی است. سازمانهای جاسوسی آمریکا و بریتانیا ۲۰۰ عدد موشک از این نوع در اختیار اشرا افغانی قرار داده‌اند.

در روز ۲۱ خرداد یک هواپیمای مسافربری با ۵۵ سرنشین و در ورود دوم تیرماه یک هواپیمای دیگر مسافری با ۴۲ سرنشین در افغانستان هدف موشک ضد انقلابیون قرار گرفته و سقوط کرد. در هر دو مورد همه سرنشینان کشته شدند. بدین ترتیب از هنگام اعلام آتش بس یکجانبه از سوی رهبری افغانستان، سه هواپیمای مسافربری توسط جنایتکاران حرفه‌ای هدف قرار گرفته‌اند. اشرا افغانی، جنایات جدید خود را با موشک

اخبار کوتاه

● ادوارد شوارندادزه و چرچ شولتز وزیر خارجه شوروی و آمریکا اواسط ماه ژوئیه در واشنگتن دیدار و پیرامون مذاکرات خلع سلاح میان دو کشور گفتگو خواهند کرد. مذاکرات در تدارک انعقاد قراردادی در سال جاری برای محو سلاحهای میان برد در اروپا صورت خواهد گرفت.

● فاروق قدومی رئیس بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین از مسکو دیدار کرد. وی در گفتگو با مقامات شوروی، با آنها به مذاکره پیرامون اوضاع جاری در خاور میانه پرداخت. طرفین خواهان گسترش مناسبات اتحاد شوروی و ساف شدند.

● در شماره گذشته نش به‌خبر از نود تادر امیرنشین شارجه (عشو امارات متحده عربی) دادیم. بدنحال کشمکی که پس از اعلام برکناری شیخ سلطان بن محمد القاسمی امیر شارجه از سوی برادرش شیخ عبدالعزیز در گرفت، طرفین توافق کردند که شیخ سلطان همچنان امیر شارجه باقی بماند. شیخ عبدالعزیز، که به گزارش خبرگزاری امارات متحده عربی با تصمیم شورای عالی امارات در مورد ابقای شیخ سلطان موافقت کرد، از سوی هفت امیر این شیخ نشین‌ها به سمت ولیعهد و معاون برادرش منصوب شد.



* در حالیکه یک مامور پلیس رژیم پیغوشه بانوم خود را برای مضروب کردن یکی از نشان شرکت کننده در تظاهرات ضد دیکتاتوری بالا برده است، چند تن می‌کوشند جلوی او را بگیرند. بدنحال کشته شدن ۱۲ نفر توسط رژیم پیغوشه (که خبر آن را هفته پیش درج کردیم) موجی از اعتراض، سراسری را فرا گرفته است.

کره جنوبی

بغیه از صفحه ۱۳

بشتمیانی از چون دوهوان، می‌کوشد میان رژیم او و نیروهای سازشکار اپوزیسیون بورژوازی، سازشی ترتیب دهد. به دستور آمریکا، رژیم چون دوهوان در سال ۱۹۸۶ اجازه مباحثات پارلمانی درباره سرنوش قانن اساسی کره جنوبی را صادر کرد. هدف از این اقدام، کشاندن "حزب دمکراتیک نوین کره"، حزب عمده اپوزیسیون پارلمانی، به سازش بود. این حزب که از سوی دوشخصیت عمده اپوزیسیون بورژوازی، کیم دای چونگ و کیم یونگ سام، حمایت می‌شود، در انتخابات پارلمانی

۱۹۸۵، ۲۰ درصد آرا را به دست آورد.

در جریان مباحثات پارلمانی، "حزب دمکراتیک نوین" دچار اشعاب شد. یک جناح از این حزب به رهبری لی مین وو صدر حزب تمایل بیشتری به سازش با رژیم نشان داد. در نتیجه، جناحی که خواهان تسریع در تغییر قانن اساسی بود، از حزب اشعاب کرد. کیم یونگ سام با حمایت کیم دای چونگ "حزب احیای وحدت و دمکراسی" را تاسیس نمود. ۶۷ نماینده از ۹۰ نماینده "حزب دمکراتیک نوین" به حزب جدید پیوستند.

ژنرال چون دوهوان با این گمان که می‌تواند از اشعاب در حزب

اپوزیسیون به سود خود بهره گیرد، در سیزدهم آوریل ۱۹۸۷ پایان مباحث مربوط به اصلاح قانن اساسی را اعلام، و ادامه آن را به پس از بازیهای المپیک تابستانی ۱۹۸۸ موکول کرد.

این اقدام، از آن جهت حائز اهمیت است که امکان گزینش جانشین چون دوهوان را طبق قانن اساسی فعلی و از سوی یک مجمع محدود تحت کنترل، فراهم می‌سازد.

اما آنچه چون دوهوان پیش‌بینی نکرده بود، گسترش جنبش توده‌ای در اعتراض به طرح تحمیل یک رئیس جمهور فرمایشی بود. پس از کنگره "حزب عدالت" چون دوهوان، و

گزینش روتاگه وو رهبر این حزب به ست نامزد جانشینی رئیس جمهور کره جنوبی، نخست دانشجویان و سپس اقشار گسترده تری از مردم، خیابانهای سئول، پوسان و سایر شهرهای بزرگ کره جنوبی را به صحنه تظاهرات دامنه دار و پیکر علیه رژیم تبدیل کرده‌اند. به گفته کیم یونگ سام، یکی از رهبران اپوزیسیون، موج اعتراض در کره جنوبی تا به جایی رسیده است که حتی اعلام مجدد حکومت نظامی (که در آغاز "دمکراتیزاسیون" به سبک توانست از گسترش آن جلوگیری کند

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

یافته و در عرصه اجتماعی افزایش عمده ای در سرمایه کلاریها پیش بینی شده است. رهبر شوروی همچنین به ادامه گسترش دموکراسی، افزایش سطح اشتغال در همه عرصه ها، بهبود انگیزه های مادی و ارتقای حیثیت معنوی کار در جامعه پرداخت. کارباچف گفت هدف از اصلاحات بنیادی در عرصه مدیریت اقتصادی، گذار از شیوه های اداری به شیوه های عمدتاً اقتصادی در مدیریت همه عرصه های اقتصاد است. وی افزود باید ساختارهای نوین تشکیلی، در خدمت دخالت دادن مستقیم دانش در تولید باشد. رهبر ح. ک. ا. ش. اعلام کرد دگرگونی مدیریت اقتصادی، با تصویب قانونی درباره موسسات دولتی آغاز خواهد شد و در پی آن، یک سلسله تصمیمات در مسائل جزئی تر اتخاذ خواهد گردید.

به گفته میخائیل کارباچف، ترکیبی از آزادی بیشتر برای تک تک موسسات با بهبود مدیریت مرکزی اقتصاد شوروی، ضروری است. بقیه در صفحه ۱۱

در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته (۲۵ و ۲۶ ژوئن)، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.)، در مسکو برگزار شد. موضوع پلنوم، وظایف حزب در دگرگونی بنیادی مدیریت اقتصادی بود. شرکت کنندگان در پلنوم، از پیش در جریان تزیهای میخائیل کارباچف دبیرکل کمیته مرکزی و نیز جمع بندی نامه های زحمتکشان شوروی درباره مسائل دگرگونی مدیریت اقتصاد، قرار گرفته بودند.

میخائیل کارباچف در سخنان خود در نخستین روز پلنوم به بررسی تحولات در اتحاد شوروی طی دو سال گذشته پرداخت و گفت روند نوسازی در جامعه، تعمیق و گسترش یافته، در همه عرصه های زندگی، فعالیت انسانها افزایش یافته و برخورد آنها به کار، متکامل تر شده است.

دبیرکل ح. ک. ا. ش. در سخنان خود خاطرنشان کرد شاخص های اقتصادی در اتحاد شوروی، اندکی بهبود یافته اند. از جمله آهنگ رشد بازده کار و تولید صنعتی افزایش

نگاهی به مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه

سرمایه داران ترك، صیادان طلا

است بلکه پیش از صد برابر شده است. تنها واردات جمهوری اسلامی از ترکیه در سال ۶۲ و سالهای پس از آن - به استثنای سال ۶۵ - نزدیک به صد برابر واردات رژیم شاه در سال ۱۳۵۲ از ترکیه می باشد. در جریان گسترش یکپارچه حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه، نه تنها سرمایه داران ترکیه به سودهای کلان دست یافتند، بلکه دولت ترکیه نیز قادر شد تا بسیاری از مشکلات اقتصادی - و ارزی - خود را حل کند. پناهر گزارش های شریات "فاینشال تایمز" ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ و "میدل ایست اکونومیکال دایجست" نوامبر ۱۹۸۴، دولت ترکیه از قبل این مناسبات موافق به تخفیف بحران اقتصادی خود شده است. روزنامه دولتی اطلاعات در تاریخ ۶۴/۲/۲۲ اعلام کرد که کسری موازنه بازرگانی خارجی ترکیه از ۵۷۶ میلیون دلار در ماه دسامبر ۸۴ به ۱۵۴ میلیون دلار در ژانویه ۸۵ - یعنی ظرف مدت زمان کمتر از ۲ ماه - کاهش یافته است. بدین گونه است که ضررهای حاکم و سرمایه داران ترکیه خشنودی و خرسندی خارج از اشتغال خود را از گسترش مناسبات بازرگانی با جمهوری اسلامی صریحاً و رسماً اعلام کرده اند. چراید ترکیه نیز رضایت و خرسندی سرمایه داران ترکیه را از این "صید طلایی" وسیعاً بازتاب می دهند. در بهار سال ۸۴ روزنامه "جمهوریت" ترکیه همزمان با سفر هیات چندصد نفره این کشور به سرپرستی تورکوت اوژال به تهران، کاریکاتوری را به چاپ رساند

در پی سفر بهزاد شهری وزیر صنایع ستکین جمهوری اسلامی در اوایل خردادماه به ترکیه، در آخرین هفته خردادماه میرحسین موسوی نخست وزیر همراه یک هیات سیاسی - اقتصادی به ترکیه سفر کرد تا "دستاوردهای" مذاکرات شهری را تحکیم بخشیده و به مناسبات بازرگانی طرفین "سروسامان" بدهد. بدنبال مذاکرات موسوی با "اوژال" نخست وزیر ترکیه و "اورن" رئیس جمهور این کشور پروتکل اقتصادی جدید جمهوری اسلامی و ترکیه که در جریان سفر بهزاد شهری تهیه و تدوین شده بود، تصویب شد.

پروتکل اقتصادی جدید ۲ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی و ترکیه نیز پسان دیگر قراردادهای بازرگانی رژیم با این کشور دارای یک ویژگی است و آن اینکه مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی با ترکیه در اسان، مبادله ای شاپراهر و به سود ترکیه است. سود ترکیه در این معاملات به حدی است که نه سرمایه داران ترک قادرند خرسندی و خوشنودی خود را از آن بابت پوشیده دارند و نه سران جمهوری اسلامی توان آفرا دارند که از اعتراف به این مبادلات شاپراهر تن و نهند. به مختصات این پروتکل و سابقه مناسبات بازرگانی طرفین نظری بیاکنیم،

فتوحات "امپراطوری عثمانی"

حجم مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه نسبت به میزان سال ۱۳۵۲ چند برابر نشده

بقیه در صفحه ۱۴

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در یونان

عده ای از پناهندگان ایرانی در یونان، از دوم ماه ژوئن بمدت یک هفته در اعتراض به بی توجهی سازمان ملل و مسئولین امروپناهندگی به مسائل و مشکلات متعدد پناهندگان و عدم رسیدگی به وضعیت پلانتکلیف آنان اقدام به تحصن اعتراضی نمودند.

پناهندگان ایرانی طی اطلاعیه ای خطاب به شهروندان یونانی، سازمان ملل و سایر مراجع ذیربط، اعلام نمودند که در صورت عدم توجه به حقوق پناهندگی شان از

بقیه در صفحه ۲

مرگت بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| | | | |
|-----------|---------|--------------------------|--|
| دیگر نقاط | اروپا | بهای اشتراك نشریه «کار»: | <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۱۶ مارك | ۱۴ مارك | | |
| ۳۰ | ۲۷ | | |

| | | | |
|-----------|---------|-----------------------------|--|
| دیگر نقاط | اروپا | بهای اشتراك نشریه «اکثریت»: | <input type="checkbox"/> سه ماهه <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۳۶ مارك | ۳۳ مارك | | |
| ۷۰ | ۶۴ | | |
| ۱۳۸ | ۱۲۵ | | |

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 163
MONDAY, JUN 29, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید